

نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی

بهاران خجسته باد

عید نوروز و آغاز سال ۱۳۸۶ را به همه ی زنان
و مردان ایران زمین شادباش می گوئیم.

قطار بدون ترمز و دنده
عقب ولایت خامنه ای به
سود مردم ایران نیست

مهدی سامع
هر روز در رسانه های دولتی اخبار و گزارشهایی در
مورد وضع فاجعه بار مردم ایران منتشر می شود.
تلفات انسانی از آلودگی هوا، کشته شدن هزاران
نفر در تصادفات جاده ها و سقوط هواپیماها،
فروش سالانه هزاران زن و کودک ایرانی در
بازارهای شیخ نشینهای خلیج فارس، گسترش
فاجعه بار اعتیاد و تن فروشی، خودکشی به علت
فقر و بی خانمانی و گسترش فقر، بیکاری و بی
خانمانی. اینها جنگ واقعیست که حکومت علیه
مردم بی دفاع ایران به راه انداخته و هر روز ابعاد
آن را گسترش می دهد.

روز شنبه اول اسفند ۱۳۸۵ روزنامه سرمایه در
گزارشی با توجه به خوشبینانه ترین ارزیابیهای
رسمی تعداد ایرانیانی که زیر خط فقر زندگی می
کنند و قادر به تامین هزینه های خود نیستند را
حدود ۱۰ تا ۱۱ میلیون نفر برآورد کرد. بر اساس
این گزارش «ارزیابی کارشناسان و صاحب نظران
مستقل تعداد جمعیت زیر خط فقر مطلق بین ۲۰ تا
۲۵ میلیون نفر» است.

بقیه در صفحه ۲

افزایش فقر در دستمزد تعیین شده

سرمقاله ---

برای کارگران در سال ۸۶

کنفرانس امنیتی بغداد،
کمی دیپلماسی

زینت میرهاشمی

«جدال طبقه کارگر با سرمایه داران برای قیمت گذاری بر نیروی
کار در شورایی که نماینده واقعی کارگران وجود ندارد، تبدیل به
زد و بندهای تصمیم گیرندگان برای حفظ وضع موجود می
شود.»

در صفحه ۴

جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

در این شماره می خوانید:

- نشست سالانه گنجره ملی خلق چین چه پیامی در بر دارد؟
- اشغال فلسطین آپارتاید است، آپارتاید جرمی جنائی ست
- خون زحمتکشان در شیشه این هزار نفر

در صفحه ۸

هشت مارس و مبارزه سازش

ناپذیر زنان

الف - آنانهیتا

«ضرب و شتم وحشیانه زنان در تجمع مقابل بی دادگاه انقلاب و
همچنین تجمع آرام زنان در میدان بهارستان، سرکوب مراسم
هشت مارس در سندج و ممانعت از برگزاری مراسم به مناسبت
این روز در سقز و سردشت و دیگر شهرهای ایران نشان از
بربریت و هراس طبقه حاکم است.»

در صفحه ۱۰

منصور امان

در سایه تنش رو به فزون و خطرناک در مناسبات
جمهوری اسلامی و ایالات متحده، نشست
امنیتی بغداد برگزار گردید. در همان حال که
پایوران دولتی دو طرف و رسانه های خبری، نگاه
های پرسشگر پیرامون مباحث و نتیجه ی
کنفرانس مزبور را به جانب مضمونهای تبلیغاتی و
چینال برانگیزی همچون انجام یا عدم انجام
گفتگوی رو در رو میان فرستادگان آمریکا و
جمهوری اسلامی و یا حتی دست دادن یا ندادن
آنها متوجه می سازند، درونمایه و پیام این نشست
همچنان بخش حاشیه ای محورهای مورد بررسی
تشکیل می دهد.

متغیری تابع و نه مستقل

با توجه به دامنه و ژرفای بحران کنونی که در
این میان راه حلهای نظامی را نیز در برابر خود
نهاده است، بدیهی به نظر می رسد که هر تحرک
سیاسی یا ابتکار دیپلماتیک از نوع نشست مزبور
نیز به گونه نیرومندی متأثر از آن به صحنه ی
کشاکش پا نهاده باشد. توجه به این واقعیت می
تواند نخست بستر حقیقی رویدادها را متمایز سازد
و انگیزه

بقیه در صفحه ۳

سال ۸۵ در گذر رویدادها

جعفر پویه

« سال ۱۳۸۵ پایان رسید، اما بسیاریانی که از ظلم
و فساد حاکمان به تنگ آمده اند، پا به میدان
گذاشتند و به شیوه های متفاوت صدای حق
طلبانه خود را بلند کردند. اعتصاب کردند، تحصن
کردند، تظاهرات کردند، راهپیمایی کردند، و
سعی و تلاش کردند، آرام نشستند و گردن به تیغ
استبداد ندادند.»

در صفحه ۶

سرنگون باد رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه با تمام دسته بندیهای درونی آن، هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی

یادداشت سیاسی

قطار بدون ترمز
و دنده عقب
ولایت خامنه ای
به سود مردم
ایران نیست

بقیه از صفحه ۱
روزنامه اعتماد ملی در شماره روز پنج شنبه ۱۰ اسفند ۱۳۸۵ چند گزارش و مقاله در مورد فروش ۱۴۵ کودکان ایرانی به چاپ رساند. سعید مدنی در مقاله ای درباره فروش کودکان می نویسد: «اگر ۱۴۵ نفر جان خود را در حادثه سقوط یک هواپیمای توپولف دیگر از دست داده بودند، باز هم ۱۴۵ قربانی چیز کوچکی در صفحه حوادث روزنامه‌ها نبود یا شاید بهتر است فرض کنیم ۱۴۵ قربانی به ۲۸ هزار قربانی تصادفات جاده‌ای اضافه شده اند، پس اتفاقی نيفتاده شاید هم ۱۴۵ قربانی در کنار حداقل یک میلیون و ۸۰۰ هزار قربانی اعتیاد اساسا قابل اعتنا نباشند.» سوال اساسی پیرامون این شرایط دهشتناک این است که درآمدهای کشور چگونه هزینه می شود که نمی تواند زندگی مردم را سر و سامان دهد؟ بخش بزرگی از درآمدهای ایران برای توسعه جنگ، صدور تروریسم، گسترش بنیادگرایی و پروژه های امنیتی و سرکوبگرانه هزینه می شود، علاوه بر دزدیها و ریبخت و پاشه‌های سران و کارگزاران حکومت و آقازاده های آنها، هر ساله بیش از دو سوم بودجه دولت به شرکت‌های دولتی اختصاص می یابد. مزدوران و سرسپردگان ولی فقیه از همین طریق به چپاول مردم می پردازند. بر اساس لایحه بودجه سال ۱۳۸۶ بودجه شرکتها و بانکها و موسسه های انتفاعی وابسته به دولت معادل ۱۶۷۱۰ میلیارد تومان یعنی ۱۸۴ میلیارد دلار است.

جنگ حکومت با
مردم ایران

روزنامه کارگزاران در سرمقاله روز یکشنبه ۶ اسفند ۱۳۸۵ در رقابت با جناح حاکم و با توجه به این حجم عظیم بودجه به قدرت مدیران شرکتها و نهادهای دولتی می پردازد و می نویسد: «این بودجه در اختیار مدیران ۵۰۹ شرکت است و هر مدیر به طور متوسط در سال آینده رقمی معادل ۳۳۷ میلیارد تومان بودجه در اختیار دارد.» روزنامه کارگزاران اضافه کرده این میزان پول را گرچه نمی توان به صورت کمی به قدرت سیاسی تبدیل کرد، اما می توان ابعاد آن را تا اندازه ای تصویر کرد. واقعیت این است که دستگاه ولایت فقیه که بر جان و هستی کشور و مردم ایران حکومت می کند، بدون توجه به نیازهای مردم و فقط و فقط با تاکید هزاربار فقط، برای حفظ امنیت ولایتش و سرپا نگهداشتن این نظام ضد مردمی درآمدهای ایران را هزینه می کند. بیهوده نیست که گماشته ولی فقیه در همایش روحانیون و مسئولان سازمان عقیدتی سیاسی نیروی سرکوبگر انتظامی می گوید: «این قطار در حال حرکت است و ترمز و دنده عقب ندارد، چون ما ترمز و دنده عقب را کنده و دور انداختیم.» (خبرگزاریهای دولتی: یکشنبه ۶ اسفند ۱۳۸۵) با وجود بلاهتی که در این حرف پاسدار احمدی نژاد وجود دارد، اما او به واقعیت انکارناپذیر در مورد نظام حاکم بر ایران اعتراف می کند. تضاد آشنی ناپذیر بین مردم و دستگاه ولایت در نقطه ستیز و تقابل برای حکام ایران آن چنان شرایطی ایجاد کرده که نه قادر به توقف هستند و نه ظرفیت عقب نشینی دارند. این قطار فرسوده البته هیچ سودی برای مردم ایران ندارد و باید آن را به قبرستان فرستاد و چنین خواهد شد.

زینت میرهاشمی
روز شنبه ۲۶ اسفند در حالی که در بسیاری از نقاط جهان جنبش علیه جنگ تظاهرات گوناگونی را برپا کرده بودند، جنگ جمهوری اسلامی با مردم ایران که هم زمان جریان داشت نادیده گرفته شد.
از صبح شنبه در تهران هزاران تن از ماموران انتظامی و امنیتی، میدان بهارستان و تمامی خیابانهای اطراف آن را به محاصره کامل در آورده بودند. هدف از این لشگرکشی جلوگیری از تجمع مسالمت آمیز معلمان بود. نیروهای سرکوبگر رژیم هر تجمع پراکنده در خیابانهای اطراف میدان بهارستان را به شدت سرکوب و متفرق می کردند و حرکت معلمان به سمت وزارت آموزش و پرورش را متفرق کردند. حکومت در خیال باطل فکر می کند با سرکوب معلمان و دستگیری و آزار آنان و یا عوامفریبی در مورد مساله انمی می تواند صدای حق طلبانه معلمان را خاموش کند.
در رویدادی دیگر خانواده های ۴۰ تن از معلمان که در تجمع چهارشنبه گذشته بازداشت شدند، در مقابل بی دادگاه انقلاب در تهران تجمع کرده و خواستار آزادی تمامی معلمان زندانی شدند. به گزارش ایلنا (شنبه ۲۶ اسفند) همسر یکی از معلمان اظهار داشت که: «همسر من یک معلم جانباز شیمیایی جنگ تحمیلی است که به داروهای ویژه نیاز دارد، اما متاسفانه مسئولین زندان اوین اجازه نمی دهند به وی دارو برسانم و نگران سلامتی جسمی همسرم هستم.» یکی دیگر از خانواده های معلمان دستگیر شده می

پاتک با رمز "کاغذپاره"
علیه رفسنجانی و خاتمی

منصور امان
پس از ایراد سخنان غرا و کارشناسان در باره شورای امنیت سازمان ملل و توصیف مصوبات آن با "کاغذ پاره"، اکنون آقای احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر مسند ریاست جمهوری، اعلام آمادگی کرده است که خود "شخصاً" برای تحویل گرفتن "کاغذپاره" بعدی از دست دیپلماتهای شورای مزبور، به محل کار آنان بشتابد.
تصمیم مزبور که از جانب سخنگوی دولت اعلام و توسط سخنگوی وزارت خارجه تایید گردید، اگر چه به ناچار شاهد دیگری بر بی پایه و یک بار مصرف بودن تبلیغات پُر هزینه بُندگوهایی رسمی ارایه کرده است اما از نگاه اتخاذ کنندگان آن، با توجه به کیسه های جُدگانه ای که باندهای رقیب از بحران اتمی برای خود دوخته اند، خسارتی تحمل پذیر به شمار می رود.
ابتکار یاد شده، پاتک مُستقیمی علیه تحرک باندهای حُجّت الاسلامها رفسنجانی و خاتمی است که به شدت در تلاش برای بهره گیری داخلی و بین المللی از شکست سیاست هسته ای ولی فقیه برآمده اند. به نمایش گذاشتن آقای احمدی نژاد در شورای امنیت، با توجه به مدالهای نِه چندان پُرافتخاری که به گردن او آویخته شده است، در مرتبه ی نخست تاکیدی بر ادامه خط مشی تقابل می باشد. و در مرتبه بعدی، صاحب علمه بودن آیت الله صاحب ای در این مورد و جایگاه نازل رقبایش در تصمیم گیری نهایی را به رخ می کشد.
تصمیم به اعزام نمایشی گماشته ولی فقیه به نیویورک و واکنش شدید باندهای رقیب در برابر آن نشان می دهد آن چه که رهبران حکومت "جنگ روانی آمریکا" می نامند، به روشنی در حال به جا گذاشتن تاثیرات خویش بر رژیم مُزوی شده جمهوری اسلامی است.
نُکته ی اصلی و ناپدید شده در این کشاکش، سرنوشت و مصالح مردم ایران است که مومنان رقیب - صرف نظر از هر اختلافی که با یکدیگر داشته باشند - در حذف آن از مُعادلات خود، هم قسم اند.

۲۲ اسفند ۱۳۸۵



Photo: Hossein Salmanzadeh

FARS NEWS AGENCY

سرمقاله --- کنفرانس امنیتی بغداد، کمی دیپلماسی

بقیه از صفحه ۱

ای که آنها را شکل می دهد را به دُرستی باز شناسد و در مرتبه ی بعد، جهت مادی و برآمدی که انتظار می رود در بر داشته باشد را نشان گذاری کند. در همین راستا، کنفرانس بغداد نمی تواند برای آمریکا جایگاهی بیشتر یا کمتر از اقدامی تکمیلی که در خدمت طرحهای کلی تر آن قرار می گیرد، داشته باشد و اکنون بر کمتر کسی پوشیده مانده است که این طرح تا آنجا که به جمهوری اسلامی مربوط می شود، کدام آماج را در برابر خود نهاده است.

از این رو، نشستی که آقای خلیل زاد، سفیر ایالات متحده در عراق، پدر معنوی آن به شمار می رود، اهمیت خود را بیشتر از همه به خاطر آن به دست می آورد که می تواند در کادر طرح کاخ سفید، به مثابه فاکتوری شتاب دهنده و یا برعکس کند کننده، عمل کند. این معادله به خوبی عمق ناچیز سخن پراکنیهای ژورنالیستی و اغلب هدایت شده در ارزش گذاری کنفرانس مزبور تحت عنوان "تحول در روابط آمریکا و جمهوری اسلامی" یا "چرخش دراماتیک در بحران عراق" را نشان می دهد. تنها یک نگاه گذرا به زمینی که صندلی شرکت کنندگان در نشست بغداد روی آن قرار داده شد، برای تعریف نقش و کارکرد آن گویا به نظر می رسد.

بستر و پیش درآمدهای شکل

گیری

۱- گزارش بیکر - همیلتون

از همان هنگام که کمیسیون بیکر - همیلتون گزارش خود را منتشر کرد و در آن از لزوم مشارکت دادن جمهوری اسلامی و سوریه در حل بحران عراق سخن راند، این رهنمود به محور کشاکشهای سیاسی در آمریکا در برخورد به مساله عراق تبدیل شد. اگر چه راه حل پیشنهادی کمیسیون یاد شده با مفروض گرفتن مداخله گری دو رژیم مَلاها و بشار اسد در عراق، خط مشی مقابله با آنها را تأیید می کرد اما در پاسخ به شیوه و چگونگی این امر، اشباع ظرفیتهای سیاسی - دیپلماتیک را لازم می شمرد. اندکی بعد آقای بوش با در دستور کار قرار دادن "نقشه جهش" و رهنمودهای آن که ارسال تا ۵۰ هزار سرباز تازه نفس به عراق و افزایش بودجه نظامی را در بر می گرفت، نشان داد که اعتماد زیادی به توصیه های کمیسیون ندارد و مایل است مسیری که تاکنون پیموده را ادامه دهد. با این وجود، رویکرد وی به مفهوم پایان مباحثات در طبقه ممتاز

پیرامون اصلی ترین محورهای بحران خاورمیانه، در اسلام آباد به بحث و تصمیم گیری پرداختند. کنفرانس مزبور در حالی مسایل مربوط به فلسطین، سوریه - اسرائیل، لبنان، عراق و ایران را در دستور کار داشت که جمهوری اسلامی را از روند گفتگوها به کنار نهاده بود. عدم دعوت حسابشده از مَلاها که به سختی تلاش می کنند در رُل ژاندارم منطقه فرو رفته و مایلند از هم اکنون به چشم "قدرت منطقه ای" به آنها نگرسته شود، موقعیت کنونی جمهوری اسلامی در منطقه را بدان یادآوری کرده و زیر ارزیابی کشورهای "اسلامی" از نقشی که می تواند در تنظیمات آن ایفا کند، خط تأکید می کشید.

۵- انزوی بین المللی

جمهوری اسلامی هنگامی بر سر میز کنفرانس بغداد نشاند می شود که مهمترین ارگان سیاسی - امنیتی بین المللی، در حال تدوین و عملی ساختن راههای مقابله با یک پرونده دیگر را، ماجراجویی هسته ای، می باشد. از همان هنگام که این پرونده روی میز شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفت، روند رانده شدن رژیم مَلاها به گوشه ی تاریک و مشکوک جامعه بین المللی، به گونه منظم و سازمان یافته ادامه یافته است. افزایش پلکانی فشارها که در پله آخر آن اقدامات نظامی به طور کاملاً آشکار و تعریف شده در دیدرس قرار داده شده است، زاویه و کیفیت برخورد با جمهوری اسلامی در پهنه دیپلماسی، توافقات یا چالشها را تعیین می کند. صدور هر قطعنامه به معنای مشروعیت بخشیدن به تدابیر سخت تر بعدی و به مفهوم دیگر، تنگ تر شدن دایره تحرک سیاسی مَلاها است.

کمی دیپلماسی

با چنین پشتوانه ای در انبان خود و بار بر پشت جمهوری اسلامی، آقای بوش آزمایش یک احتمال ضعیف (کنفرانس امنیتی بغداد) اما با تأثیرات تبلیغاتی نیرومند را به خوبی می تواند در خدمت خط مشی کلی آمریکا به کار بگیرد. کاخ سفید از یک سو با ترتیب دادن نشست بغداد، گامی به سوی مخالفان قدرتمند دولت در سنا و کنگره برداشت. آنان که با شعار جلوگیری از بیکه تازی آقایان بوش - چینی، اکثریت گرسپهای دو نهاد مزبور را تصاحب کرده اند، می توانند به خوبی برای دولت جمهوریخواهان دردسر ساز شوند.

آقای بوش با این ابتکار، دقیقاً به همان توصیه ای عمل کرد که کمیسیون بیکر - همیلتون تحت عنوان "جلب همسایگان عراق به ایفای نقش سازنده و مثبت" فرمولیزه کرده است. اشاره رئیس جمهور آمریکا پس از نشست بغداد به این که: "نشستهای عراق آزمون مهمی برای تهران و دمشق

خواهد بود تا علاقه مندی حقیقی آنها را برای داشتن نقشی سازنده در عراق نشان دهد"، نمایش به محک عمل گذاشتن رهنمود مزبور است. از این رو، به خوبی روشن است که در طرف دیگر سکه "آزمایش" ی که وی از آن سخن می راند، سیاست منتقدان نقش بسته است.

از سوی دیگر، در آستانه تصمیم گیری شورای امنیت سازمان ملل پیرامون گسترش مجازاتها علیه مَلاها، با شرکت در یک نشست مشترک با آنها، ایالات متحده به خواست متحدان خود مبنی بر اقدامات همزمان دیپلماتیک در کنار سیاست فشار پاسخ مثبت داد؛ رُستی که می تواند مسیر همگرایی برای اتخاذ راه حلهای مشترک در شورای امنیت را هموار ساخته و از این طریق، میدان مانور بزرگتری در اختیار آمریکا بگذارد. در همین حال، با حضور نمایندگان اعضای دائمی شورای امنیت در کنفرانس بغداد، جایی که آمریکا به طور رسمی جمهوری اسلامی را به کمک مالی، تسلیحاتی و آموزشی باندهای مسلح بنیادگرایان متهم کرد، درگیری آمریکا و جمهوری اسلامی در عراق از شکل یک کشاکش دوجانبه بیرون آمده و به بحران حاصل از آن (همانند بحران هسته ای مَلاها)، ابعاد بین المللی می دهد.

بُن بست جمهوری اسلامی

با توجه به پیش زمینه ها، ترکیب و دستور کار نشست بغداد، به خوبی روشن است که جمهوری اسلامی با پذیرفتن شرکت در آن وارد یک بازی دو سر باخت شده است. چرا که به صورت فرمال به یک مکانیزم سیاسی و حقوقی بین المللی متعهد گردیده که در صورت عمل بدان نه تنها سودی برای خود نمی تواند انتظار داشته باشد بلکه، کارتهای برنده ای را نیز از دست می دهد. حال اگر رژیم مَلاها برای جلوگیری از هدر رفتن سرمایه گذاری هتکفت خویش در عراق، سیاست بر هم زدن بازی آغاز شده را پیش بگیرد، بر مسئولیت خود در بحران عراق مَهر تأیید نهاده و در پی آن به روشنی جبهه دیگری را در پهنه بین المللی در برابر خود گشوده است.

برآمد

کنفرانس امنیتی بغداد را نه با نشست بُن (۲۰۰۱) که در آن آرایش ساختار دولتی افغانستان مورد بحث قرار گرفت بلکه، با کنفرانس دیتون (۱۹۹۵) می توان مقایسه کرد. این نشست بین المللی، زیر سایه یک فاکت رسمیت یافته یعنی، در اولویت قرار گرفتن جنگ علیه صربستان تشکیل گردید. تهدید به گسترش این رویکرد، سرانجام توانست به جنگ سه ساله داخلی در بوسنی و هرزه گوین خاتمه بدهد.

افزایش فقر با دستمزد تعیین شده برای کارگران در سال ۸۶

زینت میرهاشمی

شورای عالی کار حداقل دستمزد کارگران در سال ۸۶ را، ۱۸۳ هزار تومان در ماه تامین کرد. این حداقل که در سال گذشته ۱۵۰ هزار تومان تعیین شده بود، مورد کارگران زن، کارگران پیمانی و نیز واحدهای کوچکتر، هم رعایت نشده و در مقابل حفظ کار، دستمزد پایین تر پرداخت شده است.

شورای عالی کار، متشکل از نمایندگان دولت، کارفرما و کارگران حداقل دستمزد کارگری را تعیین می کند. در این شورا، جایگاه نماینده کارگران توسط دست نشانندگان دولتی پر شده است. جدال طبقه کارگر با سرمایه داران برای قیمت گذاری بر نیروی کارش در شورای که نماینده واقعی کرگران وجود ندارد، تبدیل به زد و بندهای تصمیم گیرندگان برای حفظ وضع موجود می شود. به همین دلیل هر ساله با مبلغ اندکی که به این حقوق ناچیز اضافه می شود از آنجایی که هماهنگی با افزایش قیمتها، سید هزینه زندگی و خواستههای به روز مردم ندارد، نه تنها بهبودی در وضع کارگران حاصل نمی شود بلکه تعداد بیشتری خط فقر را پشت سر می گذارند.

بر اساس آمارهای ارائه شده از طرف دست اندرکاران رژیم، «در ایران در آمد ماهانه کمتر از ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار تومان شاخص خط فقر است.» (آفتاب ۲۴ اسفند - ستار هدایت زاده - عضو مجلس)

نظر عبدالحمید محمدی که اسم نماینده کارگری در شورای عالی را بر دوش می کشد در رابطه با دستمزد تعیین شده، نه تنها این جدال را منعکس نمی کند بلکه حرف او، تأکیدی بر منافع کارفرما و نیز کارفرمای بزرگ (دولت) است. عبدالحمید محمدی گفت: «شورای عالی کار باید به گونه ای تصمیم گیری کند که کارگران وضعیت موجود خود را از دست ندهند.» وی همچنین گفت: «رقم ۱۸۳ هزار تومان رقمی است که هم کارفرما قدرت پرداخت را دارند و هم کارگران از امنیت شغلی برخوردار هستند. اگر شورای عالی کار حتی اگر ۵ درصد به رقم مصوب اضافه می کرد، به ازای هر یک درصد تعداد زیادی از کارگران همچون سالهای گذشته اخراج می شدند.» (ایلنا ۱۶ مارس)

نماینده زرد کارگری در شورای عالی کار این دستمزد را در مقابل اخراج کارگران قرار می دهد به این معنا که اگر افزایش حقوق بیشتر باشد، کارگران بیشتری کار خود را از دست خواهند داد.

محمدی حداقل معیشت یک خانواده کارگری را ۳۰۰ هزار تومان اعلام کرده و گفت: «۳۰۰ هزار تومان را اگر تصویب می کردیم، فردا به ما اعتراض می کردند که این رقم از سوی کارفرمایان قابل پرداخت نیست و منجر به اخراج کارگران می شود.»

با نگاهی به اعتراضهای کارگری می بینیم که بیشتر آنها در اعتراض به عدم دریافت حقوق، اخراج و سپردن جای کارگران قدیمی به کارگران موقت و نیز تعطیلی واحد تولیدی صورت گرفته است. رهیافت

خصوصی سازیهای «خانوادگی و وابسته به قدرت» و تعطیلی واحدهای تولیدی و نیز جابجایی سرمایه از بخشهای تولیدی به تجاری، آسیبها و زیانهای فاجعه باری بر وضعیت معاش حقوق بگیران و همچنین کارگران گذاشته است.

طوری که مبارزه کارگران که در ابعادی گسترده البته بدون پیوند با هم جریان دارد، اما برای حفظ وضع موجود و جدال بر سر مینیممهایی که داشتند و از آنها گرفته شده است، چرخ می زند. کارگزاران رژیم برای کنترل اعتراضهای کارگری که در سال ۸۶ پیرامون حداقل دستمزد تعیین شده، صورت خواهد گرفت،

حفظ وضع موجود را در برابر آنها قرار می دهند. سرمایه داران دلال صفت در حمایت دولت، علت اخراجها، عدم امنیت شغلی، بیکاری و عدم پرداخت حقوق کارگران را بر اندک حقوقی که به کارگران اضافه می شود می اندازند. ناتوانی قدرت خرید زحمتکشان در برابر سیر صعودی افزایش قیمتها در دوره دوم سال ۸۵، فاجعه فقر و عبور هر چه بیشتر مزدبگیران و کارگران از خط فقر را نشان می دهد.

معلمان و فرهنگیان در اعتراض ۱۵ هزار نفری خود در روز ۳ اسفند در برابر مجلس شعار دادند: «حقوق ما به ریال است، هزینه به دلار است.» «معلم چند شغله نتیجه تبعیضه». در ماه پایانی سال ۸۶، شاهد دستگیری معلمان و فرهنگیان، کارگران پوشینه بافت قزوین و کارگران شرکت ایران صدرا بودیم.

۵ کارگر پوشینه بافت قزوین به اتهام اخلاص در تولید بازداشت شدند. بر اساس گزارش ایلنا ۱۶ اسفند، کارگران این واحد که دنبال آزادی همکارانشان رفته اند، از ذکر نامهایشان وحشت داشتند، گفتند «یازده نفر دیگر از کارگران در لیست افرادی که باید بازداشت شوند قرار دارند، بنابراین و به دلیل این که نمی خواهیم به این لیست یازده نفره اضافه شویم، حاضر نیستیم نامی از ما برده شود.» به گفته همکاران کارگران بازداشت شده، ۱۱ نفر دیگر در لیست بازداشت قرار دارند.

در رویدادی دیگر کانون صنفی معلمان تهران در بیانیه ای خواستار آزادی سریع همه معلمان در بند شد. معلمان اعلام کرده اند که چنانچه همکارانشان آزاد نشوند روز شنبه ۲۶ اسفند در برابر مجلس دست به تجمع خواهند زد.

از صبح شنبه ۲۶ اسفند، در تهران هزاران تن از ماموران انتظامی و امنیتی، میدان بهارستان و تمامی خیابانهای اطراف آن را به محاصره کامل در آورده بودند. هدف از این لشکرکشی جلوگیری از تجمع مسالمت آمیز معلمان بود. نیروهای سرکوبگر رژیم هر تجمع پراکنده در خیابانهای اطراف میدان بهارستان را به شدت سرکوب و متفرق می کردند و حرکت معلمان به سمت وزارت آموزش و پرورش را متفرق کردند.

در رویدادی دیگر خانواده های ۴۰ تن از معلمانی که در تجمع چهارشنبه گذشته بازداشت شدند، در مقابل بی دادگاه انقلاب در تهران تجمع کرده و خواستار آزادی تمامی معلمان زندانی شدند.

فرارویش رخدادهای ایران نشان از رودررویی آشکار مردم با رژیم می دهد. رژیم می خواهد با سنگر گرفتن در پرونده اتمی، خواسته های حق طلبانه و دموکراتیک مردم ایران را پایمال کند. در دفاع از خواسته های معلمان و کارگران، در اعتراض به سیاستهای مداخله گرانه امپریالیستی و نیز سیاستهای ارتجاعی و ماجراجویانه جمهوری اسلامی، بار دیگر بر شعار نه به جنگ امپریالیستی و نه بزرگ به دیکتاتوری ولایت فقیه، در دفاع از خواسته های مردم ایران که دموکراسی، عدالت اجتماعی و حکومتی سکولار است پافشاری کنیم.

در زیر به برجسته ترین اعتراضهای کارگری در بهمن و اسفند ۸۵ اشاره می شود.

یکشنبه اول بهمن، کارگران «سینا کاشی» واقع در شهر صنتی ساوه، در مقابل انتظامات این واحد تولیدی تجمع اعتراضی بر پا نمودند. کارگران به عدم تمدید قرارداد چند نفر از همکارانشان اعتراض داشتند.

دوشنبه ۲ بهمن - کارگران شرکتهای خدماتی دانشگاه بوعلی سینا تجمع اعتراضی نمودند. این کارگران به تأخیر دستمزدهایشان اعتراض داشتند.

سه شنبه ۳ بهمن - کارگران یخچال سازی بوژان لرستان دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران این شرکت در این گروههایی اعلام کردند: که در پی خصوصی شدن این واحد، ۲۴ ماه است که حقوق نگرفته ایم. خبرگزاری ایلنا تعداد کارگران شرکت کننده در این حرکت اعتراضی را ۱۵۰ نفر اعلام کرد.

سه شنبه ۳ بهمن - کارگران واحد چینی البرز واقع در قزوین، جاده اصلی شهر صنعتی قزوین را به مدت بیست ساعت بستند. این کارگران که مدت بیش از ۵ ماه است حقوق خود را دریافت نکرده اند. بر اساس خبرگزاری ایلنا تعداد شرکت کنندگان در این اعتراض ۲۰۰ نفر بودند.

چهارشنبه ۴ بهمن - کارگران کارخانه «ساریت» واقع در مازندران در مقابل این کارخانه دست به تحصن زدند. کارگران به نحوه فروش و واگذاری این واحد، به بخش خصوصی، اعتراض کردند. کارگران این واحد تولیدی بار دیگر در یکشنبه ۱۵ بهمن دست به تحصن زدند.

چهارشنبه ۴ بهمن - کارگران کارخانه قند یاسوج، در مقابل اسناداری کهکیلویه و بویر احمد تجمع اعتراضی بر پا نمودند. این کارگران که خبرگزاری ایلنا تعداد آنها را بیش از ۲۰۰ نفر اعلام کرد، نسبت به پلاتکلیفی خود و عدم دریافت مطالبات ۴ ساله شان اعتراض داشتند.

سه شنبه ۱۰ بهمن - کارگران اخراجی شرکت «ایران صدرا» در اعتراض به اخراج خود، در ورودی این شرکت را بستند. چهارشنبه ۱۱ بهمن - کارگران شرکت چینی البرز، در خیابان اصلی شهرک صنعتی البرز دست به راهپیمایی زدند. این کارگران که خبرگزاری ایلنا تعداد آنها را ۲۵۰ نفر اعلام کرد، به عدم دریافت ۶ ماه حقوق خود اعتراض داشتند. کارگران معترض از محل

بقیه در صفحه ۵

نوشتیدن جام زهر در پشت میز مذاکره بی منفعت با آمریکا

افزایش فقر در دستمزد تعیین شده برای کارگران در سال ۸۶

کنفرانس امنیتی بغداد تا آنجا که به موضوع پر هیاهوی "فرصت مناسب برای نزدیکی جمهوری اسلامی و آمریکا" در چارچوب بحران عراق بر می گردد، با تاکید و پافشاری دو طرف بر اهداف و مواضع پیشین خود خاتمه یافت. از یک سو، فرستاده رژیم ادعای آمریکا مبنی بر "حملات مسلحانه به نیروهای آمریکایی در عراق" را نفی کرد و انگشت اتهام را به سوی آمریکا چرخاند. او همچنین درگیریهایی عراق را "ناشی از حضور نیروهای آمریکایی در این کشور" دانست. از سوی دیگر، آمریکاییها به رژیم تفهیم کردند که هیچ هدفی جز بیرون راندن آن از عراق ندارند.

بقیه از صفحه ۵
کارخانه به سمت فرمانداری این شهر راهپیمایی کردند.
پنجشنبه ۱۲ بهمن - سه تن از کارگران شرکت کننده در حرکتیهای اعتراضی «ایران صدرا» به نامهای محمد عباسپور، روح الله بازیار و اکبر رنجبران به بیدادگاه فرا خوانده شدند. اکبر رنجبران گفت: «مدیریت شرکت ایران صدرا به دنبال اعتصاب هفته گذشته کارگران این شرکت، از نمایندگان کارگران به اتهام اخلال در نظم عمومی طرح دعوی و اقامه شکایت کرده که قاضی پرونده نیز برای متهمان حکم جلب صادر کرده است.»
جمعه ۱۳ بهمن - کارگران شرکت «کف کار» در مقابل استانداری گیلان تجمع اعتراضی بر پا نمودند. علت برگزاری این تجمع اعتراضی، عدم پرداخت حقوق کارگران به مدت ۷ ماه بود.

کنفرانس امنیتی بغداد که با حضور پنج عضو شورای امنیت سازمان ملل، همسایگان عراق و نیز اتحادیه عرب و شورای همکاریهای خلیج برگزار شده بود، روز شنبه ۱۹ اسفند به کار خود خاتمه داد. آقای خلیل زاده، سفیر آمریکا در عراق، پس از خاتمه کنفرانس در مصاحبه ای با شبکه تلویزیونی ان بی سی ابراز داشت که مساله "دخالتهای ایران در عراق را مستقیماً با فرستادگان جمهوری اسلامی مطرح کرده است. این در حالیست که به نقل از خبرگزاری رویتر، عباس عراقچی، فرستاده جمهوری اسلامی به این کنفرانس، ادعا کرد: "بین ما و آمریکاییها صحبت‌های مستقیم انجام نشده است."

روشن است که جمهوری اسلامی حاضر به رسمیت دادن به این مذاکرات نیست و تنها آنرا در چارچوبی می پذیرد که فراتر از مساله عراق بوده و موضوع هسته ای شدن و اهداف پشت آنرا نیز در برگیرد. به عبارت دیگر، تنها سر میز بودن کافی نیست و باید به عنوان یکی از طرفهای اصلی به حساب آید.
سفر عادل عبدالمهدی، معاون رییس جمهور عراق روز پس از این کنفرانس به ایران و گفتگو با مقامات رژیم تنها می تواند به منظور پیگیری خواسته های آمریکا و برخی از مقامات عراقی باشد که خانم رایس آنرا در نداشتن "ربطی" به روابط آمریکا و جمهوری اسلامی "توصیف کرده است.
۲۱ اسفند ۸۵

خویش در معرض برخورد شدید عوامل نیروی انتظامی قرار گرفتند.»

دوشنبه ۲۹ بهمن - سه تن از کارگران واحد گچ بسته بندی خوی در اثر انفجار مواد شیمیایی در محل کار زنده زنده در آتش سوختند. امیرعباس یزدانی خواه، علی یوسفی احمد کندی و حسین عباس زاده در این آتش سوزی جان خود را از دست دادند. بر اساس ایلنا مسئولان آتش نشانی علت آتش سوزی را «جوشکاری و شعله ور شدن مواد شیمیایی در انبار کارخانه» اعلام کرده اند. این گونه حوادث ناشی از عدم موارد ایمنی و کنترل در وضعیت کار است که شرایط معیشتی کارگران نیز به آن کمک می کند.

پنجشنبه ۳ اسفند - کارگران شرکت «سازمایه» واقع در پاکدشت برای چندمین بار در مقابل درب اصلی کارخانه تجمع اعتراضی بر پا نمودند. کارگران این شرکت که تعداد آنها به بیش از ۱۰۰ نفر می رسید مدت ۳ سال بالاتکلیف هستند و حقوقشان را دریافت نکرده اند.

جمعه ۴ اسفند - کارگران اخراجی لوله سازی ماهشهر در اعتراض به اخراج خود در مقابل استانداری خوزستان تجمع اعتراضی بر پا نمودند.

شنبه ۵ اسفند - صدها کارگر کارخانه «قوه پارس»، «نقش ایران» و «کلاچ» واقع در قزوین دست به تجمع اعتراضی زدند. اعتراض این کارگران به سخنان استاندار و فرماندار قزوین مبنی بر «وضعیت مطلوب» واحدهای تولیدی در کارخانه های این استان بود. شنبه ۵ اسفند - کارگران شرکت مترو در مقابل دفتر ریاست جمهوری تجمع اعتراضی بر پا نمودند. این کارگران که ایلنا تعداد آنها را بیش از هزار نفر اعلام کرده است به مدیریت این واحد تولیدی بعد از خصوصی سازی اعتراض داشتند.

دوشنبه ۷ اسفند - کارگران شرکت پیمانکاری تامین نیروی انسانی حسین نژاد واقع در طیس، در اداره کار این شهرستان تجمع اعتراضی بر پا نمودند. ایلنا تعداد شرکت کنندگان در این تجمع را بیش از ۱۵ هزار نفر اعلام کرد. بر اساس گزارش ایلنا «تجمع کنندگان از کارگرانی بودند که در بخش نیروهای خدماتی پیمانکاری راه آهن طیس مشغول به کار بوده و نسبت به سوء استفاده مدیریت این شرکت از حقوق شغلی، اجبار در انجام ۵۸ ساعت کار هفتگی و عدم پرداخت حق شیفت اعتراض داشتند.»

دوشنبه ۷ اسفند - کارگران یخچال سازی لرستان، در مقابل استانداری این شهر تجمع اعتراضی بر پا نمودند. کارگران معترض خواهان تحقق مطالباتشان شدند. ایلنا تعداد شرکت کنندگان در این اعتراض را ۱۵۰ نفر اعلام کرد.

سه شنبه ۸ اسفند - کارگران شرکت خدمات ترابری برق تهران، در نمازخانه این شرکت در اعتراض به عدم دریافت حقوقشان به مدت ۲ ماه دست به تجمع اعتراضی زدند.

سه شنبه ۱۵ اسفند - کارگران شرکت صنایع چوب طالقانی در اعتراض به عدم دریافت ۷ ماه حقوقشان، در مقابل مجلس تجمع اعتراضی بر پا نمودند.

سه شنبه ۱۵ اسفند - کارگران شرکت صنایع الکتریک دماوند در مقابل مجلس تجمع اعتراضی بر پا نمودند. این کارگران مدت ۱۵ ماه است حقوقی دریافت نکرده اند.

سه شنبه ۱۵ اسفند - کارگران «کشتی سازی اروندان» در مقابل فرمانداری کرمشهر تجمع اعتراضی بر پا نمودند. کارگران به عدم دریافت حقوقشان به مدت ۳ ماه اعتراض داشتند.

دوشنبه ۲۱ اسفند - کارگران «نساچی کردستان» برای چندمین بار همراه با خانواده هایشان در مقابل استانداری تجمع اعتراضی کردند. همسر یکی از کارگران می گوید: «کشورهای اسکندیناوی فقط بیخ دارند، اما وضعیت زندگی مردم آنها خیلی بهتر از ماست که در کشورمان انواع معادن و منابع طبیعی وجود دارد.»

دوشنبه ۲۱ اسفند - کارگران شرکت «ایرانیت تهران» در اعتراض به عدم دریافت دو ماه حقوق دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایلنا جمعی از کارگران گفتند: «کارگران این شرکت در اقدامی اعتراض آمیز، روز ۲۱ اسفند رئیس کارخانه را بیرون کرده و با توقف خط تولید و بستن در کارخانه، مقابل شرکت دست به تجمع زدند.»

تبعیض در حقوق کارگران زن - شرکت ریسندگی و بافندگی زابل، کارگران با سابقه ۱۴ سال را اخراج کرده و کارگران پیمانی که از زنان جوان و دختران محصل شامل می شود جای آنان استخدام کرده است. به زنان و دختران شاغل ماهیانه ۵۰ هزار تومان پرداخت می شود.

سال ۸۵ در گذر رویدادها

جعفر پویه

نوروز نوید سالی جدید را به همراه دارد و رویش جوانه‌ها نشانی است از شکست زمستان که توان ایستادگی در برابر باد بهاری ملایمی که بی مه‌بای می وزد را ندارد. زمین رخت نو به بر می کند و در شعاع پرتوهای رنگین خورشید پرندۀ ای خوش آواز باله‌پایش را گسترده تا هرچه بیشتر هوای تازه را در کنج پره‌پایش به مهمانی بخواند و هرچه از زمستان و سردی است را به یکباره بشوید. که روزی است نو و سالی است نو.

اما با همه آن چیزهایی که در دل‌های مردم تهی دست وجود دارد، با تلاشی بی وقفه سعی در مصفا کردنش دارند. که بهار است و امید به نو کردن پیرامون خویش را تازه می کنند. از آتش می پرند تا زردی غم و نکبت ددان مردم خوار را از چهره بشویند و سرخی آن را هرچند به ساعتی و دقیقه ای به عاریت برند تا نشانی از نشاط و سرمستی را در خود زنده کنند. زیرا دیوان پلیدی و ددان پلشتی به کرشمه سرخی صورت‌های شاداب است که شیشه عمرشان ترک بر می دارد. سرفه های فقیرانه توده های بی چیز، عطر مهربانی را در دوری اعضا گرد آمده در کنار خویشتن به میانه گذاشته است تا برچینند بساط نامبارک زمستان سرد و بیخ زده را در مقدم بهاری که ساز و سرودش در دور دستهای شیپور جنگی محتمل را نشانه است. نگرانیها را در چشمهای به گردش آمده در هر سو می شود دید. آنهایی که وعده نفت و پول نفت دادند به مانند مقتدایشان دروغگو و حيله گر از کار درآمدند. اما در این خلف وعده نه تنها از همان نان خالی نیز اندکی کاسته شد، بلکه نشانهایی از یک ماجراجویی دیوانه وار سر برآورد که حکایتی غریب را وعده گرفته است. حکایتی که در این ملک بارها مکرر شده است و بسیاری را به خاک سیاه نشانده است. هنوز خونهای بسیاری از یک جنگ ضد مردمی بر زمین است و ناله های مادران داغدار پایان نیافته که ژنرالهای یک روزه جنون خون ریزی شان عود کرده است تا دست در خانه و کاشانه این مردم کنند و فرزندانشان را برای فرو نشانیدن عطش دیوانگی هارشان از خانه بیرون کنند و در جبهه ها با کلیدی پلاستیکی و وعده ای پوچ به روی میدانهای مین برانند. تا با نشان دادن انبوهی از کشته ها مردم را آلوده چیزی کنند بنام جنگ و خونریزی که توانانش بس گران است و سنگین.

اما سالی که گذشت نیز با همه اُفت و خیزهایش، با همه اوج و فرودهای

اعتراضات مردمی اش، بوی خون داشت. سالی که بنام ولی الله فیض مهدوی نشانه خورد و اکبر محمدی در روزهای تلاطمش به تاریخ پیوست. فیض ایستاد و بزرگ شد. سربلند و استوار، دلیر و جان برکف، بدون داشتن پروای جان، محکم به جلادان نه گفت، و آنان را در برابر اراده و اعتقادش بزانو در آورد. ایستاد و گفت که بهای آزادی خون دلبران است. گفت که برای مبارزه باید توانا بود، گفت برای به دریا پیوستن باید از نسل ماهی سیاه کوچلو بود، گفت باید بهای خواستن را پرداخت تا به آزادی رسید. پیام داد و با جان جانش چنان ضربه ای به زبان تزویر مماشات جویان و عاقبت طلبان زد که جبهه مردم بنام او سربلند شد و جان تازه گرفت.

در پی فیض، اکبر محمدی همانند او ایستاد، اعتصاب غذا کرد، از جان خویش مایه گذاشت و در برابر نامردمان سرخم نکرد، سربلند شد و مردم ستم کشیده را نیز با خود سربلند کرد. جان جانش در بیدادگاههای ضحاک زمان فرسوده شد، اما اراده اش کوچکترین خللی نیافت. محکم و استوار فریاد زد، تا در آنسوی کره خاکی بسیاری دریابند که در سرزمین او اکبرهای بسیاری ایستاده اند، از جان خویش گذشته اند و نهال آزادی را با خون خویش آبیاری می کنند تا هرگز تبهکاران فاسد نتوانند با برپا کردن بساط شیادی و مردم فریبی از پرداخت تاوان کرده خویش بگریزند.

سال ۱۳۸۵ پایان رسید، اما بسیاری که از ظلم و فساد حاکمان به تنگ آمده اند، پا به میدان گذاشتند و به شیوه های متفاوت صدای حق طلبانه خود را بلند کردند. اعتصاب کردند، تحصن کردند، تظاهرات کردند، راهپیمایی کردند، و ... سعی و تلاش کردند، آرام ننشستند و گردن به تیغ استبداد ندادند.

بیش از همه کارگران یا در کارخانه ها و یا با سرازیر شدن به خیابانهای شهرهای بزرگ در مقابل اداره کار استانها تا مرکز و از مقابل دفتر ریاست جمهوری تا مجلس تجمع کردند. شعار دادند، فریاد زدند، پلاکارد بلند کردند، طومار نوشتند، اما کسی جوابی به آنها نداد، تنها این نیروهای سرکوبگر بودند که یا به طرف شان شلیک کردند و تعدادی از آنها را به خاک انداختند و یا با طوم و چماق و سرنیزه به ضرب و شتم بی رحمانه آنها پرداختند.

بیش از همه همت بلند کارگران و کارکنان شرکت واحد در سال گذشته زبازد بود. رانندگان با شیوه های متفاوت مردم را به همبستگی با خود

فراخواندند. اعتصاب کردند، اما اتوبوسها را به سطح شهر راندند و با جایجا کردن مجانی مسافران، توضیح دادند که برای حقوق خود مجبور هستند که دست به اعتصاب بزنند. زیرا حکومت به خواسته آنان توجه نمی کند. حقوقشان کفاف زندگی را نمیکند و خواهان برپایی تشکلات صنفی خود هستند. حکومتی که در مقابله با آنان درمانده شده بود. به کارگران شرکت واحد حمله کرد. عده بسیاری را دستگیر و روانه زندان کرد. هیات موسس سندیکای کارگران شرکت واحد را دزدیدند و به مکانهای نامعلومی منتقل کردند. آنها را ماهها تحت فشار قرار دادند، اما این کارگران بودند که توانستند صدای خود را به گوش جهانیان برسانند و پرده از چهره دغلیازان خانه کارگر و شورای اسلامی کار کنار بزنند و آنها و حکومتشان را در پیش چشم دیگران رسوا کنند.

در سنجند، اصفهان، رشت، خرم آباد، ساوه، کاشان، قزوین، شیراز، بهشهر، تهران و تقریباً همه شهرها کارگران دست به اعتراض و اعتصاب زدند. اما در بندر دلیم نیروهای سرکوبگر به سوی کارگران شلیک کردند، از کارگران یک نفر بنام "حقیقت" کشته و چندین نفر زخمی شدند. در بابلسر نیز کارگرانی که همراه با خانواده‌هایشان به اعتراض برخاسته بودند، مورد چنان حمله وحشیانه ای قرار گرفتند که تا کنون بی سابقه بود. کودکانی که همراه والدینشان برای لقمه ای نان به خیابان آمده بودند، ضربات باطوم و چماق را بر بدن نازکشان دریافت کردند و دانستند که با چنین حکومتی از در مسالمت نمی شود صحبت کرد. دزدان و غارتگران حاکم پاسخ کودکان کارگران را با چنان خشونتیی دادند که خود را مستوجب شدیدترین عقوبت ها خواندند. در کردستان نیز به همین روش با کارگران متحصن برخورد کردند و آنها را پس از کتک زدن دستگیر و به زندان منتقل کردند.

کارگران قزوینی به این هم بسنده نکردند و راهی تهران شدند تا بلکه صدایشان به جای برسد. آنان سه روز در مقابل دفتر احمدی نژاد متحصن شدند و نشستند، تا دانسته شود که حکومتیان و کارفرمایان در مقابل همان دستمزد اندک عقب افتاده که پرداخت نمی شود، همگی با هم همدستند.

همدستی حکومتی ها با سرمایه دارانی که دستمزد کارگران را نیز نمی پردازند تا جایی بی پرده شد که حکومت تصمیم گرفت برای حمایت از کارخانه داران همان قانون کار حداقلی سابق را به نفع کارفرمایان اصلاح کند. اینبار اما بطور یکپارچه صدای اعتراض بلند شد.

کارگران از چهارگوشه کشور تعدادی را بعنوان نماینده انتخاب و به جلو مجلس فرستادند که از اینکار جلوگیری کنند. اما حکومتی که تفنگ و سرنیزه، علی‌رضا محجوب و حسین صادقی، وزارت اطلاعات و علی ربیعی، سپاه پاسداران و بسیج دارد، گوش شنوایی برای کارگران ندارد.

علیرضا محجوب و بقیه دارو و دسته خانه کارگر و شورای اسلامی کار سعی کردند تا تلافی بی آبرویی خود در روز جهانی کارگر در استادیوم آزادی را از کارگران بگیرند. آنهایی که برای رفسنجانی در آنروز جا باز کرده بودند چنان در مقابل موج اعتراض کارگران بور شدند که هرگز آنروز را فراموش نخواهند کرد. تظاهرات اول ماه مه که به استادیوم آزادی کشانده شدن بود تا تریبون رفسنجانی شود، توسط کارگران مبارز به روز حق طلبی کارگران تبدیل شد. و کارگران آن قدر شعار دادند "شکل، اعتصاب حق مسلم ماست" و "نظام برده‌داری ملغی باید گردد" که خانه کارگرها را از رو بردند و بساط شامورتی بازی آنها را برهم زدند. حال همین دارودسته در مجلس تصمیم به اصلاح قانون کار گرفته اند تا همان حداقلهایی هم که در آن وجود دارد را به نفع کارفرمایان هرس کنند.

در سال گذشته دانشجویان نیز خوش درخشیدند. رژیم که بساط حکومت پادگانی را سعی داشت از دانشگاه شروع کند، در همان گامهای اول با سد محکم دانشجویان برخورد کرد. با جمع شدن دست و پای دفتر تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه همراه با ورشکستگی دوم خردادی ها، دانشجویان با برپا کردن تشکلات خویش در مقابل عمده های استبداد دست به مقاومت زدند. آنها نه تنها دانشگاه را به سنگر مقاومت تبدیل کردند بلکه با حمایت از دیگر اقشار معترض، سعی کردند تا از چهار چوب دانشگاهها بیرون آیند و به وظیفه خویش بهتر عمل کنند. حضور آنان در اعتصابات و اعتراضات کارگران شرکت واحد و اقدامهای عملی آنها از خواسته های جنبش زنان نشان داد که دانشجویان از تجربه سالهای گذشته به خوبی استفاده می کنند و به وظایف خویش آشنایی دارند. هرچند در بعضی مواقع اختلاف سلیقه انرژی آنان را مصرف کرد و بهره لازم را از اتحادهای مقطعی نگرفتند. اما همبستگی آنان در مقاومت در برابر دولت پادگانی و رسوا کردن احمدی نژاد در سخنرانی روز دانشجو از نقاط بسیار بارز جنبش آنان بود.

بقیه در صفحه ۷

سال ۸۵ در گذر رویدادها

بقیه از صفحه ۶

زنان در تمام طول سال یکسره بر طبل برابری طلبی کوبیدند و حکومت تبعیضگر را به چالش طلبیدند. در میدان هفت تیر هرچند تجمع آنان مورد یورش اوباش حکومتی قرار گرفت و بسیاری مضروب و تعدادی دستگیر شدند. اما این حرکت شجاعانه کار خود را کرد و صدای زنان معترض را در جهان طنین انداز کرد. کمپین یک میلیون امضا با همه بگیر و ببندها ادامه یافت و توانست به محملی برای بحث و گفتگو پیرامون چگونگی عمل در برابر تبعیضگران تبدیل شود. هرچند در روزهای پایانی سال حکومت نتوانست بیش از این کمپین را تحمل کند و زنانی که در برابر بیدادگاه انقلاب در اعتراض به محاکمه ناعادلانه چند فعال زن، تجمع کرده بودند، یورش برد و پس از ضرب و شتم آنان بسیاری را دستگیر و به زندان منتقل کرد. شجاعت زنان و مردانی که می دانستند اگر دست به تجمع بزنند دستگیر خواهند شد، قابل تحسین است. زیرا آنان با این کار ترس و وحشتی که حکومت از زندان در مردم بوجود آورده است را به چیزی نگرفتند و به این وسیله پیام خود را رساندند که در مبارزه برای دست یافتن به حقوق حقه خویش نباید از این طرفنها ترسی به دل راه داد. زیرا این حداقلی است که در مقابله با حکومت می شود و باید پرداخت کرد. در چهار گوشه کشور در استانهایی که اقلیتهای قومی ساکن هستند نیز سال گذشته صدای حق طلبی بلند بود. در خوزستان، شهر اهواز چند بار توسط جوانان به میدان درگیری تبدیل شد. در آخرین حرکت آنان جوانان عرب به دلیل تبعیض حکومت به میدان آمدند و شهبای بسیاری تن شهر را تا صبح گرم نگه داشتند. از دو طرف به سوی یکدیگر هجوم بردند. جوانان با سنگ و چوب و نیروهای حکومتی با تیر و تفنگ و گاز اشک آور، خشونت بکار رفته در خیابانهای حاشیه نشین شهر اهواز تا مدتها زبانزد همه بود. اما انفجار چند بمب صوتی که جای شک و شبهه در کارگذاری آن وجود دارد. باعث شد تا حکومت بتواند چند جوان عرب خوزستانی را اعدام کند. به همین دلیل عده ای این بمب گذاری را از جمله اعمالی می دانند که بعید نیست برای سرکوب هار و قتل و زهر چشم گرفتن، کسانی آن را ترکانده باشند.

در آذربایجان در اعتراض به کاریکاتوری که در روزنامه حکومتی ایران منتشر شد، مردم دست به اعتراض زدند و چندین روز شهرهای

آذربایجان صحنه نا آرامی بود. صبر و تحمل مردم در برابر زور گویی و تبعیض حکومت چنان لبریز شده است که هر بهانه دیگری می توانست همچون کبریتی به انبار باروت کشیده شود و مردم عاصی را به خیابانها بکشاند.

در کردستان نیز اوضاع بهتر از آذربایجان نبود و شهرهای مختلف در نوبتهای متوالی شاهد تظاهرات اعتراضی مردم به حکومت بود. کار تبعیض حکومت تا آنجا بالا رفته است که در سرمای زمستان شیر گاز را به روی مردم کردستان بست و آنها را بی سوخت رها کرد. به جز این بنزین را نیز در آنجا سهمیه بندی کردند و هر آنچه می توانستند برای تحقیر و سرکوب مردم کردستان انجام دادند. مردم نیز بیکار نشستند و با برگزاری تظاهراتهای مختلف صدای اعتراض خود را بلند کردند و در بعضی از شهرها عده ای از آنها توسط اوباش سرکوبگر حکومت دستگیر و تعدادی بخاک افتادند.

در سیستان و بلوچستان عبدالملک ریگی جوانی بلوچ به همراه تعدادی از هم سن و سالهای خود سر به شورش برداشت و با حمله به نیروهای سرکوبگر و قتل تعدادی از آنها صدای اعتراض در گلو خفه شده مردم سیستان و بلوچستان را بلند کرد. هرچند شیوه برخورد ریگی با نیروهای حکومتی و قتل آنان مورد انتقاد بسیاری قرار گرفت. اما توجه به تبعیضی که حکومت در مورد بلوچ ها روا می دارد به روزنامه ها و رادیو تلویزیونها کشیده شد. بلوچ ها که سنی مذهب هستند، هم به دلیل مذهبشان و هم به دلایل دیگر مورد تبعیض قرار دارند. بیکاری و عدم دسترسی مردم به بهداشت و آموزش مناسب، وضعیت نا بسامان اقتصادی و گرانی سرسام آور از مواردی بود که مورد بحث و بررسی قرار گرفت و تقریباً در همه آنان مردم سیستان و بلوچستان ذی حق شناخته شدند و حکومت به علت رفتار شوم مورد نکوهش قرار گرفت.

در روزهای پایانی سال کاسه صبر معلمان لبریز شد و آنان که تا کنون چندین نوبت اعتصاب کرده و خواستار اصلاح نظام هماهنگ پرداخت در دستمزدها و توجه به کمی دستمزدشان بودند به خیابان آمدند. به دلیل لایحه نظام هماهنگ پرداخت که به مجلس آخوندها فرستاده شده بود. معلمان در مقابل مجلس تجمع اعتراضی برقرار کردند و شعار دادند که "مشکل ما حل نشه - مدرسه تعطیل میشه". اما حکومت که گوش شنوایی برای این گونه اعتراضات ندارد و تنها راه سرکوب و بگیر و ببند را بلد است. با یورش به معلمان تعدادی از آنها و سازمان دهندگان را دستگیر کردند و مابقی را آن چنان در مقابل چشم مردم

کنک زدند تا ثابت کنند که حکومت هار و مستبد تنها یک نام نیست، بلکه وحشی هستند که با امربری از ولی فقیه حکومت قادرند تن و بدن معلمان جامعه را چنان در زیر ضربات باطوم و مشت و لگد مجروح کنند که چندین روز در خانه بستری بماند و نتواند به اعتراض خود ادامه دهد.

اما با همه این ضرب و شتمها و سرکوبها جامعه با مشکل بزرگتری روبروست که نگران و نا آرام چشم به اخبار منتشره دوخته است تا بداند سرنوشت کشور که توسط ولی فقیه و پادوهای او به بحران اتمی گره خورده است چه می شود.

موضوع پروژه هسته ای که رژیم سعی کرده بود تا سالها آنرا پنهان نگه دارد از پرده برون افتاد و جامعه بین الملل متوجه شد که رژیم جمهوری اسلامی با ترفندهای مختلف سعی دارد تا به بمب هسته ای دست یابد. موضوع بحران هسته ای پس از مدتها بحث و کشمکش به دلیل خلف وعده حکومت

و زیر پا گذاشتن قول و قرارها به شورای امنیت سازمان ملل متحد فرستاده شد. رژیم که همه سعی خود را کرد تا با انداختن شکاف در بین اعضا شورای امنیت مانع اجماع جهانی علیه خود شود، موفق به اینکار نشد و شورای امنیت با صدور قطعنامه ۱۷۳۷ رژیم را مورد تحریم قرار داد. اما همین قطعنامه به او سه ماه فرصت داد تا در صورت تمکین از تصمیم های اژانس بین المللی انرژی اتمی و قطعنامه شورای امنیت مانع از صدور قطعنامه دیگری شود. اما ولی فقیه رژیم و احمدی نژاد رئیس جمهور منتخب او و شورای نگهبان پای خود را در یک کفش کردند و با دادن شعار "انرژی هسته ای حق مسلم ماست" مصوبات شورای امنیت را نادیده گرفتند. احمدی نژاد در توضیح موضع رژیم در برابر خواسته جامعه جهانی که خواهان تعلیق غنی سازی اورانیوم است با کاغذ پاره خواندن قطعنامه گفت که ترمز و دنده عقب قطار هسته ای را کند و بدور انداخته است. این حرف به معنای این است که او و رژیمش تصمیم به تمکین از شورای امنیت و اژانس بین المللی انرژی اتمی ندارد. خامنه ای نیز در پیام نوروزی خود نه تنها همه این حرفها را تایید کرد بلکه زبان به تهدید جامعه بین الملل گشود و گفت که او و رژیمش حاضر است تا با همه توان به دشمنان و معترضان ضربه بزند. با این شعارها و عمل ها رژیم ثابت می کند که حاضر به یک دیپلماسی معقول نیست و تصمیم دارد که کار را به جاهای باریکی بکشاند. اگر شورای امنیت تشخیص دهد که برنامه اتمی رژیم می تواند صلح و امنیت بین الملل را به خطر اندازد این می تواند دلیلی باشد برای یک حمله نظامی به ایران و

برباد رفتن بسیاری از زیر ساختهای اقتصادی مملکت.

رژیم جمهوری اسلامی که سودای یک خلافت اسلامی را در سر می پروراند در سال گذشته با دخالت بیشتر در امور عراق و وارد کردن دارودسته خود در دولت دست نشانده آن سعی کرد تا دست آموزهای به حکومت رسانده خود را بیشتر حمایت کند و با تحکیم موقعیت آنها بخشی از هژمونی خویش را بر منطقه اعمال نماید. مشابه همین دخالت در لبنان نیز باعث شد تا جنگی ناخواسته به مردم لبنان تحمیل شود و حزب الله لبنان که دست ساز و تحت کنترل رژیم جمهوری اسلامی است ابتکار عمل را در آنجا بدست گیرد. هرچند این جنگ نا خواسته باعث خرابی و ویرانی بخشی از لبنان شد اما حزب الله لبنان نتوانست به خواسته های خود برسد و اکنون لبنان در یک حالت نا متعادل صبر و انتظار به سر می برد.

در فلسطین رژیم با حمایت مالی و سیاسی از دولت حماس سعی کرد تا آتش زد و خورد را در آنجا نیز برافروخته نگه دارد و مانع توافقاتی بین دولت خودمختار فلسطینیها با اسرائیل شود. این نا آرامی و بحران مولد موقعیتی است که در آن نیروهای تند رو مذهبی با شناسنامه ای همچون حزب الله امکان رشد پیدا می کنند و همه سعی رژیم در ادامه آن برای قدرتیابی چنین نیروهایی است.

در عرصه داخلی و بین المللی در سال گذشته رژیم با بحرانهای بسیار سنگینی روبرو بوده است. نا آرامیهای داخلی از عمده دلایلی است که او سعی می کند تا هرچه بیشتر با بزرگمایی بحرانهای خارجی و موضوع امنیت ملی به سرکوب مردم و جنبش حق طلبانه آنان بپردازد. اما رشد نیروهای اجتماعی و بدست آوردن دانش وسیعی که با بهره گیری از ارتباط گستره ای که اینترنت و ماهواره و ... در دسترس قرار می دهد. آنها را برای موفقیت در مباراتشان ثابت قدم تر می کند. جنبش اجتماعی مردم ایران یعنی جنبش کارگری عدالت خواه، جنبش زنان برابری طلب، جنبش دانشجویان و اقوام و ملیتهای ایرانی همه و همه برای رسیدن به آزادی و عدالت، پر نیرو و با عزمی راسخ خود را آن گونه می نمایند که به این سطح از آگاهی رسیده است که در برابر استبداد سر خم نکنند و برای رسیدن به خواسته های خود همه راههای مبارزه را در دستور داشته باشد. اگر ضرورت ایجاب کند مسلم است که تشخیص درست را خواهد داد و کار را آنگونه خواهد کرد که اقتضا زمانه اش است.

جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

در این شماره می خوانید:

- نشست سالانه گنگره ملی خلق چین چه پیامی در بر دارد؟
- اشغال فلسطین آپارتاید است، آپارتاید جرمی جنائی است
- خون زحمتکشان در شیشه این هزار نفر

نشست سالانه گنگره ملی خلق چین چه پیامی در بر دارد؟

در ۱۴ اسفند سال گذشته (۵ مارس ۲۰۰۷)، گنگره ملی خلق چین (۱) نشست سالانه خود را در پکن برگزار کرد. اگر چه تصمیمات اتخاذ شده بر تغییرات مهم اقتصادی به ویژه در امور اجتماعی تکیه داشت اما بی تردید افزایش بودجه نظامی این کشور، از پرهیاهو ترین و چشمگیر ترین تصمیمهای اعلام شده بود. برخی معتقدند که اعضا گنگره ملی خلق چین سالی یکبار دیدار می کنند تا بر سیاستهای حزب حاکم، حزب کمونیست چین، مهر تأکید بگذارند اما این مجلس ملی نمایندگان خلق چین است که براساس قانون اساسی به عنوان عالی ترین مرجع قدرت کشور معرفی شده است.

به غیر از افزایش بودجه نظامی، یکی دیگر از قانونگذارهای مهم دور پنجم دهمین گنگره ملی خلق چین، آزاد کردن مالکیت خصوصی بر زمین بود که چین را به طور رسمی از سوسیالیسم به سرمایه داری عبور خواهد داد.

پیش از آن که به افزایش بودجه نظامی چین که مهمترین رویداد به حساب می آید بپردازیم، در باره چگونگی این گذار توضیحاتی ضروری خواهد بود.

بنا بر جمع بندی خبرگزاری رسمی چین، در این نشست قوانینی تدوین شده که طی آن راه گذار از سوسیالیسم به سرمایه داری را به آرامی هموار خواهد کرد. همچنین، رهبران این کشور در پی لیبرالیزه کردن تدریجی رژیم گام بر خواهند داشت. با آزاد شدن حق مالکیت بر زمین، شهروندان این کشور می توانند صاحب املاک خصوصی شوند. گفته می شود که این پروسه ۱۳ سال طول کشیده و سرانجام پس از ۶ بار تلاش در گذشته، این بار در این نشست به سرانجام رسید. نخست وزیر چین در باره عبور از سوسیالیسم به سرمایه داری گفت که تصمیم گنگره "سبب ایجاد سیستم بازاری باز و صادقانه خواهد شد. با این حال در عمل، قانون بیشتر منافع مردم شهر

نشین را تامین نموده و مالکیت روستاییان بر زمین را حمایت نخواهد کرد. اما برای جلوگیری از بالا گرفتن بحران و اختلافات بین جمعیت ۴۰۰ میلیونی شهر و ۸۰۰ میلیونی روستا، بودجه کمکهای روستایی را نیز به ۵۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ افزایش خواهد داد.

به چند نمونه دیگر از نتایج این گنگره اشاره ای می کنیم:

از جمله اهداف اعلام شده گنگره ملی خلق چین، افزایش ۹۰ درصدی بودجه خدمات اجتماعی است. همچنین افزایش بودجه برنامه های آموزش و پرورش، بیمه های اجتماعی، کشاورزی و مناطق روستایی در نظر گرفته شد. بحران و مشکلات اجتماعی چین که اکنون ابعاد تهدید آمیزی یافته است می تواند از مهمترین دلایل این اقدام باشد. شکاف فزاینده طبقاتی هر چه بیشتر عمق یافته و تفاوت سطح زندگی مردم فقیر و ثروتمند در شهرها و روستاها بارزتر شده است.

از دیگر موضوعات مورد بررسی در این نشست، محدود کردن مصرف انرژی و جلوگیری از آلودگی هوا است. این در حالیست که اکنون سهم چین از آلوده کردن هوا، همتراز آمریکا که از بزرگترین آلوده کنندگان کره زمین است، می باشد.

با این حال، مهمترین و جنجال برانگیز ترین بازده نشست مزبور، اعلام افزایش ۱۷/۸ درصدی بودجه نظامی این کشور است که در حال حاضر نزدیک به ۴۵ میلیارد دلار است. این بالاترین افزایش بودجه نظامی از دهه ۹۰ تا کنون است.

این اقدام به طبع سوالهای بسیاری را برانگیخت. از محتمل ترین دلایل افزایش بودجه نظامی بدون شک هرچه بیشتر میلیتاریزه شدن ایالات متحده آمریکا است که سیاستمداران چین را به فکر وا داشته است.

نخست وزیر چین، ون جیاپائو، علت این افزایش را مدرنیزه کردن ارتش توصیف کرد. او ارتش آزادیبخش خلق را به لحاظ تکنولوژیکی محدود دانست و در تشریح افزایش بودجه نظامی گفت: "ما بیشتر بر روی تحقیقات در زمینه دفاعی تکیه خواهیم کرد و سلاح و تجهیزاتمان را به روز خواهیم کرد." اگر چه احتمال دارد این ادعا صحت داشته باشد اما بدون شک عوامل مهم و اساسی دیگری نیز در این امر دخالت داشته اند.

از یک سو چین در برابر مشکل بالقوه خواست جدی تایوان که خواهان استقلال می باشد، قرار دارد. از سوی دیگر، با اینکه ارتش چین به لحاظ کمیت بزرگترین ارتش جهان است اما به لحاظ کیفی، دستکم دو دهه از ارتش آمریکا عقب تر است. این در حالیست که به دلیل رشد ممتد اقتصادی، چین بودجه نظامی خود را از

اوایل دهه ۹۰ افزایش داده است تا جایی که تعادل قدرت نظامی را در در شمال و شرق آسیا بر هم زده است.

بدیهی است که ایالت متحده آمریکا نمی تواند نظر مثبتی به این امر داشته باشد. از همین روست که آمریکا بی درنگ از چین خواست "برنامه و قصد" خود را از افزایش بودجه نظامی به طور "روشن" توضیح دهد زیرا این امر خلاف ادعای چین در "سیاست توسعه صلح آمیز" است.

دیک چینی، معاون بوش، در سفر خود به ژاپن و استرالیا که در ماه گذشته صورت گرفت، به انتقاد از چین و توسعه ارتش این کشور پرداخت. این در حالیست که چینی از همکاریهای نزدیکیتر در زمینه دفاعی با دو کشور مذکور حمایت کرد. این مساله گواه بر این امر دارد که واشنگتن توسعه ارتش چین را تهدید به حساب می آورد. در واقع هم چین و هم آمریکا به خاطر احتمالات تهدید گرایانه ای که بدان می اندیشند، در پی تقویت نیروهای نظامی خود هستند که در نتیجه به هر

چه میلیتاریزه شدن کشورهای بزرگ می انجامد. با این حال، سخنگوی گنگره ملی خلق چین در پاسخ به پرسشها و نگرانیهای آمریکا گفت که چین نه می خواهد و نه قصد این را دارد که وارد مسابقه تسلیحاتی با آمریکا یا هر کشور دیگری شود و قدرت نظامی آن تهدیدی برای هیچ کشوری نخواهد بود. چین ادعا کرد که علاوه بر هزینه مدرنیزه کردن ارتش قصد دارد سطح زندگی سربازان روستایی را بهبود بخشد.

با در نظر گرفتن مقایسه هزینه نظامی دو کشور، این واقعیت که ارتش چین بسیار ضعیف تر از ارتش آمریکا است پوشیده نمی ماند. بودجه نظامی چین در حال حاضر ۴۵ میلیارد دلار است در صورتی که بودجه نظامی آمریکا ۵۳۳ میلیارد دلار می باشد.

اما چرا آمریکا به امور داخلی چین سرک می کشد و خواهان توضیحات و دلایل "روشن" در این زمینه است؟ گذشته از آن که حاد کردن این موضوع دست دولت بوش را برای توجیه مخارج هنگفت نظامی خود را آزاد خواهد کرد، آمریکا بیشتر نگران حذف هژمونی خود در جهان است. اکنون اهداف استراتژیک و منافع اقتصادی این دو کشور در تضاد قرار دارند. اشغال افغانستان توسط آمریکا و حضور نظامی در آسیای میانه که چین آنرا حیات خلوت خود به حساب می آورد و همچنین نیاز به نفت و گاز در این رابطه از موضوعات حایز اهمیت می باشند. از سوی دیگر، اشغال عراق از جانب آمریکا و تهدیدهای مربوط به ایران و سرمایه گذارها در امور مربوط به انرژی در خاورمیانه، زنگ خطری برای چین است. به همین دلیل است که ما شاهد افزایش روابط اقتصادی و

توضیح:

(۱) مجلس ملی نمایندگان خلق چین براساس قانون اساسی به عنوان عالی ترین مرجع قدرت کشور تعیین شده است. مجلس ملی نمایندگان خلق ساختار اصلی سیاسی چین بوده و شکل سازمانی قدرت سیاسی دیکتاتوری دموکراتیک چین و نظام دولتی این کشور به شمار می رود. این مجلس از پارلمان، نظام تفکیک و توازن سه قوا متمایز می شود و هر تبعه چینی از ۱۸ سالگی حق انتخاب و برگزیده شدن به عنوان نماینده آن را

بقیه در صفحه ۹

بقیه از صفحه ۸ دارد. در چین، نمایندگان مجلس در سطوح شهرستانها و روستاها با انتخابات مستقیم برگزیده می‌شوند و نمایندگان سطوح بالاتر از طریق انتخابات غیر مستقیم انتخاب می‌شوند. مجلس ملی نمایندگان خلق از نمایندگان منتخب استانها، مناطق خودمختار، شهرهای تابع مرکز و ارتش تشکیل می‌شود. دوره ماموریت آن ۵ سال است و سالانه یک اجلاس عمومی برگزار می‌کند. در اجلاس سالانه مجلس ملی نمایندگان خلق چین، نمایندگان ضمن استماع گزارش کار دولتی و گزارشهای مهم دیگر، به بررسی و رسیدگی آنها پرداخته و قطعنامه‌های مربوط را به تصویب می‌رسانند. در زمانی که مجلس مزبور تشکیل جلسه نمی‌دهد، کمیسیون دایمی مجلس ملی نمایندگان خلق، به مثابه ارگان دایمی آن، بر اساس اختیارات محوله از سوی مجلس ملی به ایفای نقش می‌پردازد. از جمله مهمترین وظایف و اختیارات این کمیسیون می‌توان به تفسیر قانون اساسی، نظارت بر اجرای قانون اساسی، تنظیم و اصلاح قوانین (به غیر از قوانین تنظیم شده توسط اجلاس عمومی مجلس ملی) و مسئولیت پذیری در برابر مجلس ملی و تسلیم گزارش کار اشاره کرد. قدرت اساسی مجلس ملی شامل حق قانونگذاری، حق نظارت، حق تصمیم گیری در باره امور بزرگ و نصب و عزل مقامات است. در چین تنظیم برنامه‌های توسعه اقتصاد ملی و اجتماعی، راهبرد مهمی برای کمک به پیشرفت اجتماعی محسوب می‌شود. ولی این برنامه‌ها تنها در صورت تصویب در مجلس ملی نمایندگان خلق سراسری اعتبار حقوقی می‌یابد. در قانون چین قید شده است که رهبران عمده کشور از جمله رئیس جمهور و رئیس کمیته دایمی مجلس ملی باید به مجلس ملی نمایندگان خلق معرفی و از طریق انتخاب برگزیده شوند. نخست وزیر شورای دولتی و وزیران وزارتخانه‌های مختلف نیز باید به مجلس ملی نمایندگان خلق معرفی و سپس منصوب شوند. مجلس ملی نمایندگان خلق سراسری نیز می‌تواند با طی تشریفات قانونی، طرح پیشنهادی عزل رهبران منتخب تعیین شده از جمله رئیس کمیته دایمی مجلس ملی نمایندگان

سراسری، رئیس جمهور و نخست وزیر را در دستور کار بگذارد.

اشغال فلسطین آپارتاید است، آپارتاید جرمی جنائی است

اگر ادعا کنیم که سیاستهای دولت اسرائیل در برابر مردم فلسطین که نزدیک به ۴۰ سال سرزمین آنان را اشغال کرده است، تشابهی با آپارتاید در آفریقای جنوبی سابق دارد، به خطا رفته ایم؟ سخنی بی ربط و بدون برهان گفته ایم؟

اگر پاسخ به این سوال را در اظهار نظر رهبران و مقامات اسرائیل و حامی آن، امپریالیسم آمریکا جستجو کنیم، بدون شک نه تنها منفی خواهد بود بلکه، آنها را از فلسطینیها طلبکار نیز خواهیم یافت. همچنان که اخیرا با اعتراضات خود نسبت به کتاب "فلسطین صلح، نه آپارتاید" نوشته آقای جیمی کارتر، رئیس جمهور سابق آمریکا، برخورد کرده و به شدت آنرا مورد انتقاد قرار داده اند.

جیمی کارتر در این کتاب اشغال نوار غزه و کناره غربی رود اردن و رفتار اسرائیل با مردم فلسطین را به درستی با نژاد پرستی رژیم سابق آفریقای جنوبی مقایسه کرده است. این کتاب به طبع خشم دولت اسرائیل را که مانند رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی بخشی از جمعیت را از حقوق سیاسی و انسانی محروم کرده، بر انگیزته است.

اما این تنها جیمی کارتر نیست که این شباهتها را بر شمرده است. براساس گزارشی دیگر از سوی گزارشگران حقوق بشر سازمان ملل متحد، این مقایسه و ارزیابی کاملا منطقی توصیف شده است. نماینده سازمان ملل با استناد به ترمها و قرارهای قانونی، بر این ادعا مهر تایید گذاشته است. گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در مناطق فلسطینی در این باره می‌گوید: "قوانین اسرائیلی و شیوه اجرای آن در مناطق فلسطینی به طور قطع وجه تشابه‌های قوی با آپارتاید دارد." این گزارش با شرح و توضیحات دقیقی در باره وضعیت ناهنجار زندگی مردم فلسطین تحت اشغال اسرائیل، به شورای ۴۷ عضو حقوق ملتها ارایه شده است.

اگر چه اسرائیل ادعا کرده است که از نوار غزه خارج شده اما واقعیت این است که به طور کامل کنترل هوایی، دریایی، خارج و داخل مرزها را در دست دارد. این مناطق در واقع به زندانی تبدیل شده است که از هر سو مسدود و تحت کنترل قرار دارد.

سیاستهای اسرائیل و غرب و خودداری آن از بر برداشتن گامهای جدی برای صلح، به خشونت بار تر شدن و سرانجام روی کار آمدن بنیاد گرایان حماس انجامید. سپس آنان به تحریم اقتصادی دولت بنیاد گرا پرداختند. این اقدامات بیش از پیش به زبان مردم فلسطین و

به کنترل بیشتر مناطق اشغالی انجامیده است.

از جمله شواهدی که بر ادعای آقای جیمی کارتر و گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد مهر تایید می‌زند، در مرحله نخست تحریم اقتصادی است که به صورت "تنبیه عمومی" و در "تقص کوانسیون چهارم ژنو" بیش از همه بر مردم فلسطین تحمیل شده است. تحریم اقتصادی، ۸۰ درصد مردم این منطقه را به زیر خط فقر برده و به علت شیوع بیکاری، از ۱/۴ میلیون نفر جمعیت، ۱/۱ میلیون نفر نیاز به مددهای غذایی نیازمند شده اند.

نمونه دیگر دیوار آپارتاید است که دادگاه بین المللی عدالت آنرا غیر قانونی اعلام کرده است. اسرائیل ادعا می‌کند که آنرا برای جلوگیری از ورود افرادی که به عملیات انتحاری دست می‌زنند، احداث کرده است اما این دیوار، مردم فلسطین را به صورت زندانیانی در آورده که حق عبور و مرور از آنان گرفته شده است و آنها را از دسترسی به کار، کشاورزی، دیدار با خانواده خود، خدمات و نیازهای پایه ای از جمله مدرسه و امدادهای پزشکی محروم کرده است. دولت اسرائیل با تعیین شرایط سخت برای گذر از دیوار، زندگی را برای فلسطینیها غیر قابل تحمل کرده است.

روشن است که دیوار آپارتاید برای اسرائیل یک طرح تامل شده جهت هر چه بیشتر یهودی نشین کردن اورشلیم و کاستن از شمار فلسطینیها در این شهر می‌باشد. فلسطینیهای شرق اورشلیم در موقعیت بسیار سختی قرار گرفته اند. اگر فلسطینیهای سمت غرب دیوار بخواهند کارت شناسایی اورشلیم را حفظ کنند، به سختی می‌توانند به کنار غربی رود اردن بروند. اما اگر بخواهند در کناره غربی زندگی کنند و به محل کار خود نزدیک باشند، کارت شناسایی اورشلیم را از دست می‌دهند.

اقدام دیگر اسرائیل ایجاد مناطق مهاجر نشین یهودی در سرزمینهایی که متعلق به فلسطینیهاست، بوده است. این امر بنا بر ماده ۴۹ کوانسیون چهار ژنو اقدامی غیر قانونی می‌باشد. گذشته از آن، بیش از ۴۰ درصد زمینهایی که اسرائیل به مهاجران یهودی داده، تحت مالکیت فلسطینیها قرار دارد.

دولت اسرائیل علاوه بر این، فلسطینیها را از حق سفر، شهروندی و خانه سازی نیز محروم کرده است تا بتواند کنترل این سرزمین را در دست داشته باشد. در ماه دسامبر ۲۰۰۶، تعداد ایستگاه‌های بازرسی که کنار غربی رود اردن را به چهار بخش به کلی جداگانه تقسیم می‌کند، به ۵۰۰ عدد رسید.

از سوی دیگر، دولت اسرائیل اقدام به ساخت اتوبان ویژه ای کرده که تنها مورد استفاده اسرائیلیها قرار می‌گیرد. اتوبان مذکور این مناطق را به ۱۰ بلوک تقسیم کرده که شباهت زیادی به روش آفریقای جنوبی در دوران آپارتاید دارد.

در حالیکه مهاجرین اسرائیلی می‌توانند با استفاده از این جاده به سرعت عبور و مرور کنند، فلسطینیها همین مسیر برایشان سفری طولانی است که کمتر موفق به رسیدن به مقصد می‌شوند. رنج و تحقیر روزانه ای که این امر برای فلسطینیها به وجود آورده، از مهمترین و بارزترین نشانه‌های تشابه زندگی سیاهان در آفریقای جنوبی سابق با فلسطینیهای امروز به شمار می‌آید.

جای شکی نیست که دیوار آپارتاید، ایستگاه‌های بازرسی و جاده سازی برای حفاظت و راحتی ۴۳۰ هزار اسرائیلی مهاجر ساخته شده است که در کناره غربی زندگی می‌کنند. چه کسی می‌تواند این واقعیت را حاشا کند که این سیاست و رفتار غیر انسانی، در بطن خود ایده برتری یک نژاد (یهودی) را بر نژاد دیگری (فلسطینی) که به طور سیستماتیک سرکوب می‌شود را مادی نمی‌کند؟

اعمال، قوانین و رفتار اسرائیل بنا بر مصوبات کوانسیون بین المللی سال ۱۹۷۳، جرمی جنایی است و مشمول مجازات علیه ارتکاب آپارتاید می‌شود. اسرائیل مجرم است و بایستی در برابر دادگاه عدالت بین المللی قرار گیرد. اگر این امر صورت گیرد، بدون شک به تحریم اقتصادی اسرائیل ختم خواهد شد، درست همان تنبیهی که نصیب دولت آپارتاید آفریقای جنوبی شد.

ادعا می‌شود که اسرائیل تنها کشور دمکراتیک خاورمیانه است که قانون بر آن حکم فرماست و برای نمونه از حذف مجازات اعدام در این کشور یاد می‌شود. اما از سال ۱۹۶۷ بیش از ششصد و پنجاه هزار فلسطینی به زندان افتاده و مورد رفتار خشونت آمیز قرار گرفته اند. زندانیان حتی از پایه ای ترین حقوق خود که ملاقات با خانواده‌های خود می‌باشد، محروم مانده اند. چنین ادعایی از جانب قدرتهای امپریالیستی را تنها می‌توان دروغگویی، فریب و تقلب سیاسی نامید.

آنچه تا کنون بر مردم فلسطین رفته است از شرم آورترین و سیاهترین پدیده‌های تاریخ بشریت است و باید همچون نژاد پرستی، در ردیف جرم جنایی و شایسته مجازات قانونی قرار گیرد.

خون زحمتکشان در شیشه این هزار نفر

نزدیک به ۱۰۰۰ نفر در جهان مشغول انباشت ثروت خود هستند. در سال گذشته این ثروت هنگفت با ۳۵ درصد رشد، در مجموع به ۳/۵ تریلیون رسیده است. این برآوردی است که در مجله اقتصادی فوربز به تازگی انتشار یافته است.

بقیه در صفحه ۱۵



هشت مارس و مبارزه سازش ناپذیر زنان

الف - آناهیتا

هشت مارس نماد مبارزه شورانگیز زنان آگاه و مبارزی است که علیه سیستم ناعادلانه حاکم به پا خاسته، عزم جزم کرده و به اعمال خشونت و تبعیض علیه نوع بشر فقط به دلیل جنسیت «نه» گفته اند. ۱۵۰ سال از اولین حرکت زنان در هشتم مارس سال ۱۸۵۷، هنگامی که زنان کارگر پارچه باف آمریکایی علیه شرایط دشوار کار و زندگی خود دست به اعتراض زدند، می گذرد. فریاد عدالتخواهانه زنان زحمتکش از همان ابتدا با اعمال خشونت از سوی طبقه حاکم همراه بوده است. این مهم بدرستی نشان می دهد که سیستم حاکم بر جهان سر مدارا و سازش با مبارزه تاریخی زنان برای دستیابی به بالاترین مطالبات انسانی ندارد و نخواهد داشت.

زنان ایرانی نیز برای اولین بار در سال ۱۳۰۱، هشت مارس را جشن گرفتند. در ایران نیز مبارزه زنان از همان ابتدا لوزه به اندام امیران و شاهان انداخت. آنان همواره تلاش کردند با ابزار دشنه یا ترفند این مبارزه را خاموش و یا از مسیر اصلی خود خارج کنند.

این حقیقت تاریخی تا به امروز نیز ادامه دارد. ضرب و شتم وحشیانه زنان در تجمع مقابل بی دادگاه انقلاب و همچنین تجمع آرام زنان در میدان بهارستان، سرکوب مراسم هشت مارس در سنج و ممانعت از برگزاری مراسم به مناسبت این روز در سقز و سردشت و دیگر شهرهای ایران نشان از بربریت و هراس طبقه حاکم است.

قابل ذکر است که سال ۸۴ نیز ماموران رژیم به تجمع هشت مارس زنان در پارک دانشجو حمله کردند و عده ای را مورد ضرب و شتم قرار دادند. آنان همچنین از برگزاری مراسم روز زن در دانشگاه صنعتی سهند تبریز و دانشگاه آزاد مشهد، ممانعت به عمل آوردند.

اما مراسم سال ۸۵ علیرغم تمام تلاشهای رژیم جهت خاموش کردن ستاره هشت مارس همزمان با اعتراض آموزگاران به روزی جاودانه در تاریخ تبدیل گشت. حضور زنان در تجمعات روز زن و همچنین اعتراض هزاران هزار آموزگار از سراسر ایران در سال جاری بسیار چشم گیر بود.

مراسم هشت مارس به خصوص در شهرهای کردستان کاملاً «ماهیت سیاسی» داشت. رژیم مخصوصاً در زمان ریاست جمهوری خاتمی تلاش کرد مسایل زنان را در چارچوب

مسایلی «زنانه» و «فرهنگی» خلاصه کند و از سیاسی شدن آن جلوگیری نماید. اما حرکت زنان دلیر کردستان که همزمان از تبعیض ملیتی و جنسیتی در رنج هستند این ترفند را نقش بر آب ساخت. آنان با حمل پلاکارد قرمزی که روی آن نوشته شده بود «مبارزه زنان ریشه در مبارزه طبقاتی دارد» به طور مستقیم سیاست های طبقه حاکم را نشانه گرفته و راه برون رفت از بحران تبعیض جنسیتی را، حل مساله غامض طبقات عنوان کردند. یکی دیگر از ویژگیهای آن شرکت بارز و بسیار قابل ستایش مردان در این مراسم بود.

با روی کار آمدن احمدی نژاد وضعیت زنان که افزون بر فشار طبقاتی، مورد ستم وحشیانه جنسیتی نیز واقع می شدند، بیش از پیش به خطر افتاد. احمدی نژاد که بعد از تصاحب مدال «دولت سازندگی» از سوی رفسنجانی و مدال «دولت اصلاحات» از سوی خاتمی، مدال «مهرورزی»!! را از ولی فقیه اش دریافت کرد، سیاست های برنامه دولت خود را آنچنان تنظیم نمود که نه تنها وضعیت زنان ایران را به مرحله بغرنجتری وارد ساخت بلکه تاثیر منفی آن تا آنسوی مرزها نیز پا را فراتر گذاشت.

از دستور تقسیم بندی جنسیتی کافه تنها، عدم امضای بیانیه پایانی کنفرانس «نقش تقویت زنان در جامعه»، تصویب آیین نامه طرح موسوم به توسعه فرهنگ و حجاب و سهمیه بندی جنسیتی رشته های دانشگاهی می توان به عنوان برخی از عملکردهای سیاسی رژیم جهت هر چه بیشتر نهادینه کردن تبعیض جنسیتی در جامعه، نام برد.

از نظر برنامه اقتصادی نیز با نگاهی به بودجه سال ۸۶ دولت مهرورزی می توان به تاثیرات منفی آن در رابطه با موقعیت زنان زحمتکش ایران پی برد. بالا رفتن نرخ بسیاری از کالاها از جمله گازوئیل، آب، گاز و تلفن، وابستگی اقتصادی بیش از پیش کشور به نفت و برداشت غیراصولی از صندوق ذخیره ارزی و تعیین دستمزد ۱۸۳ هزار تومانی کارگران با توجه به میزان فقر که ۴۰۰ هزار تومان اعلام شده، همگی خبر از تشدید رشد فقر، بیکاری، تکدی گری و محرومیت کارگران در آینده می دهد که بدون تردید زنان زحمتکش میهن ما را بیش از دیگر اقشار جامعه تحت فشار قرار خواهد داد.

تاکید و پافشاری دولت احمدی نژاد بر دستیابی به سلاح هسته ای، خط و نشان کشیدن برای نهاد های بین المللی جهت صدور و توسعه بنیادگرایی از سرشت جنگ طلبانه رژیم نشأت می گیرد. طرح دستیابی به سلاح

هسته ای نه تنها نقشی کلیدی جهت امنیت و طول عمر رژیم ولایت فقیه بازی می کند، بلکه گسترش بنیادگرایی در منطقه را نیز موجب می شود. دخالت در مسایل عراق قبل از اشغال این کشور توسط نیروهای ائتلاف و به قتل رساندن و سوزاندن زنان فعال این کشور و افراد سکولار و عدالتجو نشان از گستردگی بعد فاجعه و اتوریتیه ایدئولوژی وحشت، در صورت اتمی شدن ولایت فقیه دارد. اگر مطالبات جنبش زنان در منطقه را بعنوان مجموعه ای به هم پیوسته در نظر بگیریم، حمله به هر بخش از آن حمله به کل مجموعه محسوب می شود. بدین ترتیب می توان رژیم را به مثابه معضلی در برابر پیشرفت و مبارزه عدالت طلبانه زنان در ایران و حتی در منطقه به شمار آورد که در صورت دستیابی به سلاح اتمی وحشتناکتر از گذشته در مقابل جنبشهای اجتماعی پدیدار خواهد شد.

با نگاهی دقیق تر در خواهیم یافت که مبارزه علیه هسته ای شدن رژیم و سیاستهای جنگ طلبانه آن گرانگه جنبش زنان را تشکیل می دهد. هر گونه تفکیک بین خصلت توسعه طلبانه رژیم در امر بنیادگرایی که بدون شک با هسته ای شدن ولایت فقیه قوت و قدرت خواهد گرفت و مبارزه زنان با تفکر متحجرانه رژیم، جنبش اجتماعی زنان را تاریخاً به عقب خواهد راند.

اخیراً با تصویب قطعنامه ۱۷۲۷ شورای امنیت برخی تحریم ها در رابطه با رژیم وضع شده است. اگر چه رژیم با تاکتیک صدور، تولید و بازتولید بحران و معرکه راه انداختن بر سر غنی سازی اورانیم فرصتی یافته تا هر خیزشی را با چسباندن مارک ارتباط با دول غربی، سرکوب کند، اما جنبش زنان نیز قادر است از شرایط بوجود آمده به نفع خود استفاده کند و رژیم را در میان دو بحران داخلی و خارجی زیر فشار قرار داده و بالاترین سود را از آن خود و زحمتکشان کند.

ضرب و شتم زنان و آموزگاران در روزهای پایانی سال هشتاد و پنج نشان از هراس رژیمی است که در میان بحرانهای فزاینده دست و پا می زند.

خامنه ای در اوایل سال جدید باز به روی منبر آمد و ابراز داشت که اگر غربی ها بخواهند بی قانونی کنند، ما نیز بی قانونی خواهیم کرد. وی با پافشاری بر مساله غنی سازی اورانیم ادامه داد که در صورت تهدید و خشونت علیه ایران، این کشور نیز از تمام ظرفیت های خود برای ضربه زدن به دشمنان استفاده خواهد کرد.

واضح و مبرهن است که ولایت فقیه هستی نظام پوسیده اش را در دسترسی به سلاحی قوی می بیند؛ زیرا بخوبی به این مساله واقف است که قادر به برطرف کردن مطالبات مردم نیست. قبول توقف غنی سازی اورانیم بیش از آنکه یک شکست استراتژیک را برای رژیم به ارمغان آورد او را با یک شکست ایدئولوژیک روبرو می سازد. پس کماکان بر طبل جنگ می کوبد؛ گویی اگر قرار است نظام را آب ببرد، دنیا را هم می بایست آب ببرد. نظام ولایت فقیه در شرایطی که راه گریزی از بحران داخلی نداشته همیشه از گزینه «جنگ» بهره جسته است.

در جملات سفیهانه ولایت فقیه نکته دیگری نیز پنهان است. وی با زبانی صریح اعلام می دارد: در صورتیکه مانعی در مسیر اهداف ارتجاعی رژیم ایجاد شود و رژیم هسته ای را به رسمیت نشناسد، از ابزار خشونت در تمام عرصه ها استفاده خواهد کرد. این به معنای اعلام جنگ علنی به جهان است که البته کاربرد داخلی آن را ما سالهاست دیده و شنیده ایم. سوال اینجاست که چگونه یک ساختار به غایت ارتجاعی برای رسیدن به اهداف متحجرانه، حق استفاده از خشونت را برای خود به رسمیت می شناسد، اما حتی تحمل تجمع مسالمت آمیز زنان، آموزگاران، دانشجویان و کارگران را ندارد؟! و اگر روزی آنان بخواهند برای دستیابی به حقوق حقه خود دست به مبارزه قهرآمیز بزنند، خشونت طلب نامیده شده، به جرم محارب یا منافق به دار آویخته می شوند!! آیا در مقابل ساختاری که زندانهایش از نظر شکنجه های قرون وسطایی زبانزد عام و خاص است و هنوز ردپای خونین تروریست بقیه در صفحه ۱۵

زنان در مسیر رهایی

الف - آناهیتا

راهپیمایی و گردهمایی به مناسبت هشت مارس

اسوشیتد پرس و رویترز، ۸ مارس ۲۰۰۷ راهپیمایی که توسط زنان فلسطینی و اسرائیلی به مناسبت هشت مارس سازماندهی شده بود در ساحل غربی رود اردن به درگیری بین زنان و ماموران مرزی انجامید. زنان کراوایی نیز با مامورانی که قصد داشتند از راهپیمایی آنان به مناسبت هشت مارس جلوگیری کنند، درگیر شدند.

زنان «قربانی خشونت خانگی» با پوشاندن صورت خود توسط ماسکی مشکی در راهپیمایی به مناسبت هشت مارس در مادرید، خواستار توقف خشونت خانگی شدند.

هزاران زن در شهر گوما از جمهوری دموکراتیک کنگو با برگزاری راهپیمایی خواستار محاکمه افرادی شدند که زنان را مورد آزار و اذیت قرار می دهند. تجمع بزرگی به مناسبت گرامیداشت هشت مارس در سانتیاگو برگزار شد.

نود و دو زن به دلیل بیان شعارهایی در دفاع از عبدالله اوجلان هنگام راهپیمایی در کشور ترکیه، دستگیر شدند.

ماموران نظام ولایت فقیه به تجمع زنان ایرانی به مناسبت هشت مارس حمله کرده، آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و عده ای را دستگیر کردند.

زنان در آفریقا همزمان با گرامیداشت روز هشت مارس، بر بیماری ایدز تمرکز کردند. قابل توجه است که شصت درصد از مبتلایان به بیماری ایدز در

جنوب آفریقا را، زنان تشکیل می دهند. ۵۵ زن دقیقاً شب قبل از برگزاری مراسم هشت مارس توسط پلیس گامبیا به دلیل نامعلومی دستگیر شدند.

زنان با شرکت در راهپیمایی هشت مارس در شهر لیما در پرو، مکزیکو

سیتی، هند، سوئیس، لاکا، گواتمالا، سودان، افغانستان و تانزانیا بر ادامه مبارزه علیه خشونت خانگی، برای برابری و رفع تبعیض جنسیتی تاکید کردند.

قربانیان تجاوز جنسی در پاکستان همزمان با فرا رسیدن روز جهانی زن خواستار حقوق بیشتری شدند

برنیو بولتن، ۸ مارس ۲۰۰۷ هزاران زن پاکستانی با برگزاری راهپیمایی در سراسر پاکستان بر

خواست های خود مبنی بر آزادی، حقوق برابر و حذف قوانین تبعیض آمیز تاکید کردند. فعالان اتحادیه زنان کارگر پاکستان نیز در شهر لاهور دست به راهپیمایی زدند. خانم مای مختاران که بعنوان سمبل شجاعت برای زنان پاکستان شناخته شده، همراه با دیگر قربانیان تجاوز جنسی و مدافعان حقوق بشر در راهپیمایی به مناسبت روز جهانی زن شرکت کرد. وی از وضعیت حقوقی زنان پاکستان ابراز نارضایتی کرد. فقط در ماه فوریه امسال ۵۶۵ نفر به نام دفاع از ناموس در کشور پاکستان به قتل رسیده اند که بیشترین آنان، زن بودند. این آمار نشان می دهد که قتل ناموسی تقریباً صد در صد نسبت به سال ۲۰۰۵ در این کشور افزایش یافته است.

بریتانیا

تایمز آن لاین، ۱۰ مارس ۲۰۰۷ بریتانیا در زمره کشورهایی به شمار می رود که در آن وضعیت زنان در رابطه با شغلها، بالا، بسیار وخیم ارزیابی شده است. بر اساس گزارش سازمان تجارت جهانی، بریتانیا با فقط نوزده درصد پست های مدیریتی اشغال شده توسط زنان از میان سی و دو کشور جهان، مقام بیست و پنجم را به خود اختصاص داد. یکی از عوامل این مساله، اهمیت ندادن دولت به مساله فراهم کردن امکاناتی جهت مراقبت از کودکان زنان کارگر، عنوان شده است. بیش از نیمی از زنان بریتانیایی به کارهایی پایین تر از مدرک و مهارت تحصیلی خود مشغول هستند. به وجود آوردن شرایطی که به آنان اجازه دهد به مشاغل بالاتر و برابر با مدرک تحصیلی خود و با دستمزدی بالاتر دست پیدا کنند، قادر است سالانه ۲۳ تا ۱۵ میلیارد یورو برای اقتصاد کشور ارزش ایجاد کند.

این در حالیست که زنان در کشورهای چین و فلیپین، یک سوم و زنان روسی نیمی از پست های مدیریتی را اشغال کرده اند. رشد مدیریتی زنان در کشورهایی مانند برزیل، روسیه، چین و هند در طول سه سال گذشته ۱۴٪ افزایش یافته است.

سه زن در انتظار اعدام در «عراق آزاد»!!

سوسیالیست ورکر، ۱۰ مارس ۲۰۰۷ زندگی سه زن عراقی که به فعالیت تروریستی محکوم شده اند، هنوز در معرض خطر قرار دارد. سال گذشته این سه زن در دادگاهی که ۲۴ دقیقه بیشتر طول نکشید بدون داشتن حق وکیل مدافع و با اینکه دادگاه هیچ مدرکی دال بر فعالیت تروریستی آنان ارایه نداد، به اعدام محکوم شدند. با این حال قرار شد که در اوایل ماه مارس جاری حکم اعدام عملی گردد، اما حکم اعدام

آنان به عقب انداخته شد. این سه زن، واسان طالب ۳۱ ساله، زینب فحیل ۲۵ و لیقا عمر محمد ۲۶ ساله همراه با شانزده کودک، میان صدها زن دیگر در زندان القذیمه به سر می برند. قابل توجه است که هیچکدام از آنان اتهام وارده را نپذیرفته اند. راهپیمایی های بسیاری در کشورهای اروپایی علیه حکم اعدام آنان برگزار شده است. اما علیرغم تمام این تلاش ها، دولت عراق حاضر به ارایه جزییات مساله نشده و تا کنون به نامه هزاران متحصد و نخست وزیر ترکیه نیز پاسخی داده نشده است. گروه های مدافع حقوق بشر نیز با معرفی و کیلی در این رابطه کنکاش می کنند و برای این زنان درخواست بخشش کرده اند، اما به این حرکت نیز اهمیتی داده نشده است. اتحادیه و کلاهی عراقی خواستار ادامه اعتراضات جهانی شده اند.

جنبش حقوق زنان فیجی علیه طرح خصوصی سازی آب اعصاب کردند

اسکوپ نیوز، ۱۵ مارس ۲۰۰۷ با اینکه جنبش زنان فیجی به مدت یک سال علیه خصوصی سازی آب تلاش کرده اند، اما هنوز نگرانی در رابطه با این مساله وجود دارد. جنبش زنان برای ادامه مبارزه به تشکل های مستقل زنان، گروه های حقوق مدنی و کمیسیون حقوق بشر فیجی پیوسته است. آنان اعلام می دارند که تجربه جهانی نشان می دهد که خصوصی کردن آب حتی قسمتی از آن، آب را به یک کالا برای سوداگری تبدیل می کند. این مساله وضعیت زنان را بیشتر تحت تاثیر قرار می دهد زیرا مسئولیت آنان زمانی که به آب لوله کشی دسترسی نداشته باشند، بیشتر می شود. هنگامی که کارمندان سرویس های خصوصی آب رسانی در کلمبیا و فلیپین بدلیل عدم پرداخت حقوق، دست از کار کشیدند، زنان مجبور به استفاده از آب آلوده شدند و این عمل آنان را در معرض خطر بیماری های خطرناکی قرار داد.

منوعیت سفر زنان لیبیایی زیر چهل سال

اسوشیتد پرس، ۱۱ مارس ۲۰۰۷ دقیقاً یک روز قبل از هشت مارس، دستور دولت لیبی می مبنی بر عدم اجازه خروج زنان لیبیایی کمتر از سن چهل سال در روزنامه رسمی الجماهیریه به چاپ رسید. بر طبق این دستور این زنان می توانند با یکی از مردان خویشاوند مانند پدر، همسر و یا عموی خود به خارج سفر کنند. مطلب چاپ شده در این روزنامه، این دستور را خشونت علیه حقوق زنان عنوان کرده و اضافه می کند که علت

آزادی سفر زنان لیبیایی که به مدت کوتاهی اعتبار داشت فقط برای عوض کردن نگرش منفی بر وضعیت زنان لیبیایی بود و دیگر اعتبار قانونی ندارد.

فقر کارگری چهره ای زنانه دارد

اسوشیتد پرس، ۷ مارس ۲۰۰۷ سال گذشته ۱.۲ بلیون نیروی کار از ۲.۹ بلیون نیروی کار جهانی به زنان تعلق داشته است. این در حالیست که زنان بیش از هر زمان دیگری بیکار بوده اند. تقریباً ۸۱.۸ میلیون زن یا ۶.۶ درصد از زنان سال گذشته بیکار بوده اند و یا مشغول به کارهایی با تولید پایین بوده اند و همچنین از مردان همکار خود دستمزد کمتری دریافت کرده اند. زنان شصت درصد از کارگران فقیر و یا آثانی که کمتر از یک دلار یا یک یورو دستمزد می گیرند را تشکیل می دهند.

عراقی

د نیشن، ۸ مارس ۲۰۰۷ در عراق هم روز جهانی زن فرا رسید. اما واقعیت امر این است که بعد از اشغال این کشور توسط نیروهای ائتلاف زندگی زنان عراقی همچون کلافی سر در گم است. هر روز حقوق و جان زنان عراقی در معرض خطر قرار دارد. اعمال خشونت و تبعیض علیه زنان بر اساس گزارش جدید تشکل بین المللی زنان حقوق بشر، بسیار شایع است. خانم حوزان محمود، از طرف تشکل زنان عراقی برای آزادی در یک کنفرانس مطبوعاتی با تشکل بین المللی زنان حقوق بشر ابراز داشت که جمع آوری آمار دقیق از قتل عام زنان و وضعیت آنان بسیار کار دشواری است. وی ادامه می دهد که آنان ماه اکتبر امسال در بازدیدی از بیمارستانی در بصره، جسد صد زن را پیدا کرده اند. «از روی جسدها کاملاً مشخص بود که این زنان مورد شکنجه واقع شده اند. جسد زنان آنچنان ناقص بود که خانواده های آنان از بلند کردن جسدها هراس داشتند».

گزارش بالا اضافه می کند که خشونت علیه زنان در مرکز عملکرد بنیادگرایان جهت تشکیل یک جامعه کاملاً مستبد، قرار دارد. زنان روشنفکر، سکولار، هنرمندان و هر کس دیگری که با جامعه جدید زیر سیطره بنیادگرایی به گونه ای به مخالفت برخیزد، کشته می شود. دقیقاً به همین دلیل زنانی که حجاب اجباری را رعایت نمی کنند مورد کتک قرار گرفته و یا گردن آنان از بدنشان جدا می شود.

رویدادهای هنری

لیلا جدیدی

سخن روز:

*نمی توان هم در قطب بود و هم در خط استوا! باید خط خود را پیدا کرد. (وینسن ونوگو، نقاش هلندی)
*کسی که کتاب خوب نمی خواند، هیچ برتری بر کسی که نمی تواند بخواند ندارد. (مارک تواین، نویسنده آمریکایی)
*در سیاست اگر بخواهی حرفی گفته شود به مردان رجوع کن و اگر بخواهی کاری انجام شود سراغ زنان را بگیر. (مارگرت تاچر، اولین زن نخست وزیر انگلیس)

فیلم و سینما

واکنش ایرانیان به فیلم ۳۰۰

فیلم ۳۰۰ ساخته کمپانی برادران وارنر در سراسر جهان به نمایش گذاشته شد. این فیلم تخیلی - تاریخی با اعتراضهای گسترده علیه نوع نگرش فیلم به ایرانیان باستان روبرو شد.

فیلم ۳۰۰، به شرح نبرد سه روزه "ترموبیل" بین لشکر ایران و ۳۰۰ تن از سربازان یونان باستان می پردازد و از روی کتاب کارتونی به همین نام ساخته شده است.

برخی از ایرانیان مقیم خارج از کشور، با توجه به تصاویری که به گفته آنان به طور ناهنجاری از خشایار شاه به بیننده داده شده، با گردآوری امضا به استودیوی پخش این فیلم اعتراض کردند.

در این فیلم، ارتش امپراتوری ایران به فرماندهی خشایار شاه، ارتشی بی وجهه تصویر شده و چهره برخی از شخصیتهای ایرانی فیلم، شباهتی به چهره یک انسان ندارد و بیشتر شبیه شخصیتهای خونخوار فیلمهای علمی - تخیلی است.

کمپانی وارنر اعلام کرد که این یک فیلم سرگرم کننده و تخیلی است و تهیه کنندگان آن هدف سیاسی نداشته اند.

البته جمهوری اسلامی نیز به تلاش برای گرفتن ماهی از آب گل آلود برآمده و از زبان غلامحسین الهم، سخنگوی دولت، اینگونه دست به اعتراض زده است: "این فیلم در راستای تهاجم گسترده فرهنگی علیه ایران است."

فیلم "واقیعی پُر دردسر" برنده بهترین فیلم مستند

فیلم "واقیعی پُر دردسر" ساخته ال گور، معاون رییس جمهور سابق آمریکا، به عنوان بهترین فیلم مستند برنده جایزه آکادمی اسکار شد. این فیلم در باره خطراتی که گرم شدن کره زمین بشریت را تهدید می کند، هشدار می دهد.

هنگامی که آقای گور برای دریافت جایزه به روی صحنه رفت گفت: "هموطنان آمریکایی! مردم سراسر جهان! باید مشکل آب و هوا را حل کنیم. این یک موضوع

سیاسی نیست، یک موضوع اخلاقیست. ما برای شروع از همه ابزار لازم برخوردار هستیم، از جمله خواست عمل کردن، منابع بازسازی انرژی و... بیایید دست بکار شویم!"

فیلمهایی که باید دید

در هفتاد و نهمین دوره مراسم اهدای جوایز اسکار، مارتین اسکورسیزی، کارگردان پرآوازه هالیوود، برنده بزرگ این مراسم شد. او پس از سالها انتظار، سرانجام جایزه اسکار بهترین کارگردانی را دریافت کرد.

فیلم "از دست رفته" (Departed) با بازیگری هنرپیشگان سرشناسی چون جک نیکلسون، مت دیم و لیوناردو دی کاپریو، هم جایزه اسکار بهترین فیلم را دریافت کرد و هم جایزه بهترین کارگردانی را برای مارتین اسکورسیزی به ارمغان آورد. این فیلم در دو بخش دیگر نیز جایزه اسکار را کسب کرد.

فیلم "زندگی دیگران" ساخته فلوریان هنکل فون دونزمارک، کارگردان موفق آلمانی نیز به عنوان بهترین فیلم خارجی برگزیده شد.

جعفر پناهی، برنده نخستین جایزه سینمای نامحدود حقوق بشر

نهمین فستیوال فیلمهای حقوق بشر آمستردام نخستین جایزه سینمای نامحدود حقوق بشر را به دلیل "دید ریز بینانه و انسان دوستانه" به جعفر پناهی هدیه کرد. جعفر پناهی این جایزه را به فعالان زن در ایران تقدیم کرد.

ادبیات

گوته

در مارس سال جاری، ۱۷۵ سال از مرگ گوته، نابغه ادبی و مهمترین شاعر آلمان گذشت. دوره جوانی گوته در آلمان به عصر "توفان و کشش" معروف است. عصری که احساسات بر روشنگری چیره بود. در این ایام گوته به شعر و نمایشنامه نویسی پرداخت.

شکست گوته در عشق به نامزد دوستش، موجب نوشتن رمان "زنجهای ورتز جوان" شد که برای او آوازه جهانی به همراه آورد. تأثیر این رمان در آن ایام چنان بود که بسیاری از خوانندگان جوان آن که در عشق شکست خورده بودند، مرگ داوطلبانه را برگزیده و دست به خودکشی زدند. شاعر و نویسنده جوان از این خبرها آشفته شده و گفته بود که خواندگانش او را نفهمیده اند.

گوته در ایام سالخوردگی تحت تأثیر شاعران شرق قرار گرفت. او گفته بود که باید اذعان کرد که شاعران شرق والاترند. در سال ۱۸۱۹ اثر معروف خود "ادیوان غربی - شرقی" را به پایان رساند.

گوته در ۲۲ مارس ۱۸۳۲ در خانه اش چشم از جهان فرو بست. پیکر او را در وایمار و در کنار آرامگاه شیلر به خاک سپردند.

موسیقی

گروه معراج در افغانستان مورد اعتراض قرار گرفت

گروه معراج که یک گروه ایرانی است و به دعوت، اجازه و با توافق وزارت اطلاعات برای اجرای برنامه‌هایی در سال نو در شهر مزار شریف به کابل رفته بود، بعلت اعتراض شرکت کنندگان موفق نشد که برنامه‌ی خود را به پایان رساند. از جمله معترضان خانم گل مکی شاه، رییس تئاتر افغانستان بود که در هنگام شروع کنسرت، محل را ترک کرده و گفت: "من خود یک هنرمند هستم و اجازه نمی‌دهم کسی به سرود ملی کشورم توهین کند و بخندد."

وی به همراه ده تن دیگر به سنای افغانستان رفت و از این گروه شکایت کرد. کمیسیون فرهنگی سنای افغانستان علیرضا فرشچیان، مسئول این گروه را توسط پلیس دستگیر کرده و به وی دستبند زده شد. خانم گل مکی شاه، رییس تئاتر افغانستان، گفته ی یک زن عضو گروه مزبور مبنی بر اینکه "شما که می گوئید مولانا جلال الدین در بلخ متولد شده است آیا درباره‌ی او چیزی می‌فهمید که توضیح دهید؟" را توهین بزرگی قلمداد کرد.

گوناگون

نمایشگاه سالانه کتاب لایپزیگ

نمایشگاه سالانه کتاب لایپزیگ در روزهای ۲۲ تا ۲۵ مارس (۲ تا ۵ فروردین) در شهر لایپزیگ برگزار می شود. این نمایشگاه که در سال ۱۹۹۱ راه اندازی شده، اکنون به خواهر کوچک نمایشگاه کتاب فرانکفورت معروف می باشد. با این حال نمایشگاه کتاب لایپزیگ کوچک نیست و امسال با ۲۲۰۰ غرفه از ۳۶ کشور در آن شرکت دارند.

سیمین بهمانی در ایران آماج ضرب و شتم، در نروژ صاحب جایزه آزادی بیان

خانم سیمین بهمانی که چندی پیش در یک تجمع در ایران مورد تهاجم مزدوران رژیم قرار گرفته بود، برنده جایزه آزادی بیان کانون نویسندگان نروژ شد.

سیمین که به "بانوی غزل ایران" لقب یافته است، سرودن را نخست با سبک چهار پاره های نیمایی آغاز کرد و سپس به سبک غزل روی آورد. او در شعرهایش به زبان روزمره از شادی، تفکر، غم و بی عدالتی سخن می راند. این شاعر متعهد همچنین در زمینه حقوق بشر و حقوق زنان نیز فعالیت می کند.

اعتراض ناشران به بیستمین نمایشگاه کتاب تهران

بخش بزرگی از ناشران فعال کشور فرمهای مخصوص شرکت در بیستمین نمایشگاه کتاب تهران را تا آخرین لحظات فرصت داده شده پر نکرده‌اند. آنها این اقدام را در اعتراض به تصمیم رژیم جمهوری اسلامی که به گفته آنان

"می‌خواهد بخش داخلی را به مصلاهی تهران منتقل کند و بخش بین‌المللی را در محل دایمی نمایشگاهها نگهدارد"، انجام دادند.

۱۹ تشکل صنفی که اکثریت ناشران فعال غیردولتی در آنها عضو هستند، در اطلاعیه‌ای ضمن اعتراض به دوباره شدن نمایشگاه اعلام کرده‌اند، در صورتی که وزارت ارشاد در تصمیم خود تجدید نظر نکند، از شرکت در بیستمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران خودداری خواهند کرد.

آثار تاریخی افغانستان از سویس به کابل منتقل می شود

بیش از یکهزار قطعه از آثار فرهنگی و تاریخی افغانستان که به منظور حفاظت از آنها در خلال جنگ داخلی در ده سال گذشته در موزه ای در سویس حفظ می شد، با هواپیما به کابل انتقال می یابد. گفته می شود این بزرگترین مجموعه تاریخی و فرهنگی است که از بعد از جنگ جهانی دوم از یک کشور خارجی به جایگاه اصلی آن باز می گردد.

این مجموعه شامل اقلام مختلف از جمله فرش دستباف، کالاهای مورد مصرف روزمره مردم و برخی اسناد می باشد. چشمگیرترین قلم در این مجموعه، سنگ بنای شهر "آی خانم" است که توسط اسکندر، فاتح یونانی، در این شهر کار گذاشته شده است. قدمت این سنگ بنا به حدود سیصد سال قبل از میلاد مسیح می رسد.

پس از سقوط طالبان، دولت جدید افغانستان طرحی را برای راه اندازی موزه کابل با کمک سازمان ملل به اجرا گذاشته و یونسکو (سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل) تشخیص داده است که کابل در حال حاضر از امنیت کافی برای دریافت و نگهداری از این مجموعه برخوردار است.

سروده ای از هادی خرسندی

جمهوری اسلامی از این سو، به سلامت آزادی از آن سوست، فلش داده علامت تابلو چه کسی ساخت؛ بگریید، بگریید عکسش چه کس انداخت؛ بگریید، بگریید این مطلب سر بسته چرا وا شده اینجا؟ اسرار نظام است که افشا شده اینجا فی‌الغور بفهمید که طراح فلش کیست وانکس که در این باره خبر داده بهش کیست

این مطلب سری است که لو رفته، بجنیب دشمن به چه جاها که جلو رفته، بجنیب اولی چه کسانی متوجه شده بودند؟ بعدا چه کسانی سر این حقه گشودند؟

اعدام شود هر که گذشته‌ست از این راه معدوم شود هر که از این راز شد آگاه (البته که آن تابلوی مربوط به بنزین کار علما قرص نموده‌ست ز پایین گور پدر جاکش آزادی اگر رفت ماییم که هستیم به پایدگی نفت

پله دوم تحریم مورد توافق قرار گرفت

نمایندگان پنج عضو دائم شورای امنیت خبر از توافق درباره متن پیش نویس یک قطعنامه تازه درباره تحریم رژیم جمهوری اسلامی دادند. این پیش نویس در چهار صفحه تنظیم شده و دارای یک ضمیمه سه صفحه ای از نام شرکتها و افرادی است که باید مورد تحریم قرار گیرند و در آن از کشورها خواسته شده است تا افراد و شرکتهای مذکور را تحت نظر قرار داده و محدودیتهایی را علیه آنها منظور و دارییهای شان را مسدود کنند. در این پیش نویس همچنین از ۱۳ شرکت و بانک وابسته به رژیم و نام ۱۵ نفر از افراد، با نام اسم برده شده است. این افراد شامل ۸ مدیر ارشد شرکتهای دولتی و نیز ۷ مهره اصلی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران می شود. قطعنامه تصریح می کند که تمامی این شرکتها در ساخت برنامه هسته ای رژیم ایران و یا ساخت موشکهای بالستیک دست دارند.

پیش نویس، رژیم ولایت فقیه را فرا می خواند که به سرعت به مطالبات قطعنامه پیشین ۱۷۳۷ که مهمترین آن توقف غنی سازی اورانیوم می باشد، عمل کند. این قطعنامه به رژیم ۶۰ روز فرصت می دهد تا مطالبات شورای امنیت سازمان ملل متحد را برآورده سازد.

پیش نویس همچنین ضمن مخالفت با مراودات مالی کشورها با رژیم ولایت فقیه، از دبیر کل آژانس انرژی اتمی می خواهد تا گزارشی از عملکرد آن در برابر قطعنامه را به اطلاع شورای امنیت برساند.

در ارتباط با این پیش نویس، وزیر دارایی آلمان در نیویورک اعلام کرد: "ما به اطلاع آمریکا می‌رسانیم که خواهان تحریم (علیه ایران) هستیم." نماینده دائم روسیه در سازمان ملل نیز گفت: "روسیه در حال حاضر از نتیجه مذاکرات اعضای این شورا راضی است."

اما محمود احمدی نژاد، پادوی خامنه ای، ولی فقیه رژیم بار دیگر در اظهار نظری بی خردانه، شورای امنیت سازمان ملل را فاقد مشروعیت خواند و گفت: "ما می‌دانیم که شما از روی استیصال این تصمیمات را می‌گیرید، شما فکر می‌کردید که ملت ایران از حق خود عقب‌نشینی می‌کند. شما اشتباه کردید ما از جلسات داخلی شما خبر داریم، شما تصور می‌کردید که اگر ایران را تهدید جدی بکنید و با تبلیغات این تهدید را برجسته و بزرگ کنید، ملت ایران از حق خود عقب‌نشینی می‌کند ولی دیدید که این امر محقق نشد و ملت ایران محکم‌تر در صحنه ایستاده است."

دولت احمدی نژاد با سرکوب تظاهرات معلمان از برآوردن نیازهای حداقل آنها ناتوان است و با زندانی کردن و سرکوب زنان معترض، پاسخ درخواستهای حقه آنان را می دهد. کارگران مدتهاست که همان حداقل دستمزد خود را نیز دریافت نکرده اند و کمر اقتدار مزد بگیر زیر بار گرانی و بحران خم شده است.

بی کفایتی و ناتوانی در اداره امور توسط پادوهای ولی فقیه وضعیت کشور را روز بروز بحرانی تر می کند و اقتدار فرودست باید تاوان این بی کفایتیها را بپردازد. ۲۵ اسفند ۸۶

نتیجه ی کشمکش بر سر دانشگاه آزاد اسلامی

منصور امان تکیه زدن حُجّت الاسلام رفسنجانی به صندلی ریاست هیات مووسس دانشگاه آزاد اسلامی، شکست باند نظامی - امنیتی در کنترل این واحد پول ساز و قدرتمند را به گونه ی نمائینی به رُخ آنان کشیده است. نتیجه ی این کشاکش که با تقویت موقعیت آقای رفسنجانی در هیبراشی قدرت همراه است، به جدول ناکامیهای ولی فقیه در تصرف همه جانبه اهرمهای اقتصادی و سیاسی، یک ردیف دیگر افزوده است.

دانشگاه آزاد اسلامی که به عنوان موسسه ای غیرانتفاعی به ثبت رسیده، به مدد همین کلاه شرعی قادر شده در کنار برخورداری از رایانه های کلان نقدی و جنسی دولتی و مُعافیتهای مالیاتی، درآمد هنگفتی نیز از محل دریافت شهریه از دانشجویان خود کسب کند؛ فاکتورهای که در مجموع این موسسه را با بیش از یک میلیون و سیصد هزار دانشجو و صدها میلیارد تومان زیرساخت و سرمایه گذاری، به یک نهاد پُرنفوذ و تاثیر گذار در کانونهای سیاست گذاری جمهوری اسلامی تبدیل کرده است.

آبان ماه گذشته هنگامی که آقای احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر مسند ریاست جمهوری، به انتقاد از شهریه گران دانشگاه آزاد اسلامی پرداخت و گرداندگان آن را به "اقدام انقلابی" تهدید کرد، آشکار گردید که باند نظامی - امنیتی در پی خارج کردن یک ابزار مُهم دیگر اعمال قدرت از کنترل باند آقای رفسنجانی برآمده است. به زیر ناخن کشیدن موسسه ثروتمند مزبور اگر چه انگیزه نیرومندی در سازمان دادن به این هجوم به شمار می رفت اما در انتها، هدف مُقدم و نتیجه ی ایده آل، دمونتاژ "نفر دوم نظام" بود.

سپرده شدن سَکان هدایت دانشگاه آزاد اسلامی به حُجّت الاسلام رفسنجانی، در حقیقت اعلام آشکار شکست باند ولی فقیه در دستیابی به هر دو هدف خود می باشد. آیت الله خامنه ای که توانست پس گرفتن تحقیر آمیز ابتکار اساسنامه ای گماشته ی خود در شورای عالی انقلاب فرهنگی برای اشغال نهاد مزبور را در سکوت برگزار کند، اکنون به صورت آشکاری با ناتوانی عوامل خود پُر حذف رقیب نیرومند مواجه داده شده است. ۲۹ اسفند

دزدان حقوق زنان و معلمان عوامفریبی می کنند

لیلا جدیدی اگر چه رژیم جمهوری اسلامی در روابط خارجی ژستهای تو خالی زیادی در مورد مذاکره و گفتگو با مخالفانش گرفته و در امر معامله گری نیز بسیار فعال بوده است اما در برابر مردم ایران نه مذاکره گر و نه معامله کننده است. در اینجا تنها به شغل شریف دزدی و قداره کشی بسنده می کند؛ با همه شیوه ها و ترفندهای آن! دزدان حقوق انسانی و مسلم مردم ایران با سر نیزه و چماق به راهزنی می پردازند و هر چه متعلق به مردم است می گیرند اما وقتی که گیر می افتند، به حيله و تزویر روی آورده و به ضد و نقیض گویی دچار می شوند. از همین روست که پس از روزها تلاش و مقاومت معلمان و زنان کشور که برای باز گرفتن حقوق مسلم خود دست به اعتراض زده اند، به چاره جویی از راه حيله و نیرنگ برخاسته اند.

آیت الله شاهرودی، رییس قوه قضاییه، عوامفریبانه خطاب به سعید مرتضوی افاده می فرود: "حضور در اجتماعات قانونی و بیان اعتراضات یک روش مدنی از حقوق شهروندی و از مظاهر دموکراسی است. لذا فرهنگیان نباید در بازداشت بمانند."

در چنین حالتی ایشان باید حکم جلب افرادی را که "قانون شکنی" کرده اند و به تجمعات مسالمت آمیز فرهنگیان، زنان، کارگران و دانشجویان حمله کرده و آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند را نیز درخواست کند. اما البته نه تنها این امر صورت نمی گیرد بلکه، برای آزاد کردن زنان بازداشت شده، شرط پرداخت وثیقه سنگین ۲۰۰ میلیون تومانی نیز گذاشته می شود. این در واقع یک گروگان گیری آشکار و حکم سلب حق آنان از شرکت در فعالیتهای مدنی است.

همانطور که دبیر کل سازمان جهانی آموزش با دارا بودن ۳۰ میلیون عضو در ۱۶۸ کشور خطاب به سردمداران رژیم نوشته است، دستگیری صدها معلم که برای دستمزدی در خور تظاهرات می کردند، محکوم بوده و آزادی فوری و بدون قید و شرط همه بازداشت شدگان ضروریست.

اصول بنیادین حقوق بشر و حقوق کار، آزادی بیان و تجمع را تضمین می کند و جمهوری اسلامی موظف است بدون قید و شرط از آن تبعیت کند. مردم ایران و زحمتکشان این مرز و بوم فریب نمی خورند و تا آن هنگام، دزدان حقوق مدنی و صنفی خویش را راحت نخواهند گذاشت. ۲۸ اسفند ۱۳۸۵

رودر رویی با استبداد

زینت میرهاشمی روز جمعه ۲۵ اسفند، آخرین جمعه سال ۸۵، گلزار خاوران شاهد حضور مردمانی آزاده بود که گرد هم آمدند تا یاد جان باختگان قتل عام تابستان سال ۶۷ را زنده دارند. مادران، همسران، فرزندان و نیز جوانان در گلزار خاوران، بر پایداری نسلی که به استبداد «نه» گفت صحنه گذاشتند و رزم آنان را ارج گذاشتند. ناصر زرافشان، وکیل مدافع خانواده های قربانیان قتلهای زنجیره ای بعد از ۵ سال حبس، از زندان آزاد شده و در این مراسم شرکت داشت.

در رویدادی دیگر کانون صنفی معلمان تهران در بیانیه ای خواستار آزادی سریع همه معلمان در بند شد. معلمان اعلام کرده اند که چنانچه همکارانشان آزاد نشوند روز شنبه ۲۶ اسفند در برابر مجلس دست به تجمع خواهند زد.

حرکتهای اعتراضی معلمان در دو هفته اخیر، سرکوب معلمان، دستگیری و به بند کشاندن آنان در روز چهارشنبه ۲۴ اسفند، رژیم را با چالشی جدی روبرو ساخته است.

همچنین امروز شنبه در کشورهای اروپایی به مناسبت سالگرد اشغال عراق، تظاهراتی در اعتراض به جنگ و سیاستهای امریکا بر گزار خواهد شد. در این تظاهرات احتمال حمله نظامی به ایران و سیاستهای امریکا در قبال ایران مطرح خواهد شد. فرارویش رخدادهای ایران نشان از رودررویی آشکار مردم با رژیم می دهد. رژیم می خواهد با سنگر گرفتن در پرنده اتمی، خواسته های حق طلبانه و دموکراتیک مردم ایران را پایمال کند. در دفاع از خواسته های معلمان، در اعتراض به سیاستهای مداخله گرانه امپریالیستی و نیز سیاستهای ارتجاعی و ماجراجویانه جمهوری اسلامی، بار دیگر بر شعار نه به جنگ امپریالیستی و نه بزرگ به دیکتاتوری ولایت فقیه، در دفاع از خواسته های مردم ایران که دموکراسی، عدالت اجتماعی و حکومتی سکولار است پافشاری کنیم. شنبه ۲۶ اسفند

دست جمهوری اسلامی زیر ساطور سردار فراری سپاه

فرار یا دستگیری علیرضا عسگری، یک سرکرده بلندپایه ی سپاه پاسداران، رژیم مَلاها را با بُحران جدیدی چه در روابط بین المللی خود و چه در پهنه ی داخلی، روبرو ساخته است. به موازات تقویت این احتمال که اطلاعات فرد یاد شده به زودی علنی خواهد گردید، پاپوران رژیم و دستگاههای امنیتی به فعالیتهای خود برای محدود کردن دامنه خسارت می افزایند.

تلاش ضد اطلاعاتی گسترده ای که برای بی اهمیت جلوه دادن جایگاه پاسدار - سردار عسگری در ساختار نظامی و امنیتی حکومت صورت می گیرد، به گونه ناخواسته ای حساسیت رو به افزایش حکومت نسبت به این موضوع را تایید می کند. در همین رابطه، وی که معاون وزیر دفاع در کابینه حُجّت الاسلام خاتمی و سرکردگی سپاه قدس در لبنان را به عهده داشته است، به عنوان "کارمند بازنشسته" یا "تاجر روغن زیتون" معرفی می شود.

از سوی دیگر، مقامات جمهوری اسلامی کوشش می کنند با بزرگ نمایی فرضیه ربودن آقای عسگری، شکاف عمیقی که در بالاترین رده های نظامی و امنیتی "نظام" به تماشا گذاشته شده است را بپوشانند. این امر به ویژه با توجه به تشنج در مناسبات خارجی رژیم و صف آراییی اقتصادی - نظامی در برابر آن، اقدامی در جهت حفظ انسجام درونی و جلوگیری از گسترش آثار تجول اخیر بر لایه های بالایی "نظام" به شمار می رود. این در حالی است که به میان کشیدن پای سیاه، موساد و - به تازگی - اینتلینجنت سرویس در این ماجرا، به نوبه خود می تواند ناتوانی حکومت در حفظ افراد کلیدی خویش را نیز اثبات کرده و بر بی اعتمادی رده های مزبور نسبت به استحکام چتر حفاظتی خود بیافزاید.

سُخنان "یک مقام آگاه" که خبرگزاری حکومتی فارس آن را منتشر کرده است، نشان می دهد که جمهوری اسلامی همچنین به شدت نگران تاثیر افشای اطلاعات پاسدار - سردار عسگری بر پروسه بُحران هسته ای خود می باشد. منبع مزبور در این رابطه به صراحت از تلاش آمریکا برای "تحت تاثیر قرار دادن شورای امنیت و کشورهای اروپایی" با استفاده از "این نمایش عملیات روانی" یاد کرده است.

آقای عسگری به ساطوری بدل گشته است که می تواند هر زمان بر دست رژیم - نه فقط - در لبنان و عراق بلکه در اندرونی "نظام" نیز فرود آید. ۲۳ اسفند ۸۵

سرکوب و دستگیری معلمان محکوم است

جعفر پویه
دیروز چهارشنبه با حمله نیروهای

از رهگزاران نیز به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. در رابطه با دستگیری وسیع معلمان فرسیدی وزیر آموزش پرورش در پاسخ به خبرنگاران گفت: " مطرح کردن موضوعی با عنوان دستگیری معلمان در جمع



سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی به تظاهرات حق طلبانه معلمان، این تجمع با خشونت تمام سرکوب گردید. این درحالی است که کانون صنفی معلمان با انتشار بیانیه ای خبر از شکست مذاکره با نمایندگان دولت داده بود. کانون صنفی اعلام کرد که بجای مسئولین وزارت آموزش و پرورش جمعی از عناصر وزارت اطلاعات و کسانی از قرار گاه ناره الله سپاه در این جلسه مقابل نمایندگان معلمان قرار گرفتند. ترکیب شرکت کنندگان در جلسه در برابر معلمان ثابت می کند که دولت نظامی - اطلاعاتی برای پاسخگویی به مطالبات حق طلبانه مردم چیزی بجز سرکوب در آستین ندارند. آنچنانکه در این روز تمام محوطه میدان بهارستان و خیابانهای حد فاصل آن تا وزارت آموزش و پرورش مملو از نیروهای سرکوبگر بود و آنها همه افراد در دسترس را شدیدین به باد کتک گرفتند.

خبرنگاران به اعتقاد من درست و شایسته نیست". او علت نادرست بودن خبر دستگیری معلمان را اینگونه توضیح می دهد: " شرایط کشور به گونه ای است که می خواهند در آن التهاب ایجاد کنند و انتشار خبر دستگیری حدود هزار معلم در نظامی که افتخارشان مردم سالاری دینی است، تنها با هدف مخدوش کردن چهره نظام صورت می گیرد".



سرکوب و دستگیری معلمان را محکوم می کنیم و همه اقشار مردم را به همکاری و همراهی و همبستگی با آنان برای رسیدن به حقوق حقه خود فرا می خوانیم. ۲۴ اسفند ۸۵

لشکر کشی سپاه و وزارت اطلاعات در برابر معلمانی که تنها برای حداقل حقوق خود دست به اعتراض زده اند، نشان می دهد که تا کنون نیز دولت پادگانی به دفع الوقت مشغول بوده و تصمیم به پاسخگویی مناسب به معلمان را ندارد. در اینروز تعداد بسیاری از معلمان و نمایندگان آنها دستگیر، عده زیادی از آنان مضروب و تعدادی

مشکل مسکن "مصنوعی" است یا مقام ریاست جمهوری؟

لیلا جدیدی احمدی نژاد، رییس جمهور دست نشانده ولی فقیه، حرفهای بی پشتوانه زیاد می زند و در این زمینه خود را مضحکه مردم ایران و جهان نیز کرده است. سخنان او در مراسم روز مهندسی پیرامون مشکل مسکن و ادعای "مصنوعی" بودن آن نمونه تازه ای از این امر است.

تنها با اشاره به دو نمونه از لایحه بودجه سال ۸۶ می توان "مصنوعی" بودن یا نبودن مشکل مسکن و برنامه های "رفاهی" او را به ویژه پیرامون یکی از بزرگترین و حادثترین مشکلاتی که مردم ایران با آن دست به گریبان هستند توضیح داد.

ار یک سو دبیر انجمن صنفی مهندسان صنعت ساختمان، لایحه متمم بودجه ۸۶ را سبب بالا رفتن بیشتر هزینه مسکن و "شوک جدیدی" توصیف کرده است. این درحالیست که بنا به گزارشات رسمی، هزینه مسکن در سال گذشته ۲۰ درصد افزایش یافته است.

از سوی دیگر، موسی الرضا ثروتی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس هفتم رژیم می گوید که اعتبار فقرزدایی در بودجه ۸۶، ۸۰ میلیارد تومان کاهش داشته است. به این طریق، پول نفت در سال ۸۶ نیز به جای رفتن به سر سفره مردم، صرف آنچه که رییس جمهور رژیم در همان مراسم ادعایش را داشت یعنی، "قدرت منطقه ای بودن" و چپاولهای حکومتی خواهد شد.

همچنین نرخ تورم در سال آینده ۱۲ درصد پیش بینی می شود که به معنی کاهش ۱۰ درصد ارزش پول خواهد بود و این خود در حالیست که در لایحه بودجه، حتی اختصاص هزینه به آن چه که رژیم "فقر زدایی" می نامد نیز به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. در نظر داشته باشیم که چندی پیش سازمان مدیریت رژیم وقیحانه اعلام کرد: "هیچ شاغلی در ایران زیر خط فقر نیست" و همزمان اعلام می کند که خط فقر بین ۲۰۰ تا ۲۴۰ هزار تومان در ماه است.

حال با افزایش نرخ تورم و پایین آمدن ارزش پول، این مشکل مسکن است که مصنوعی است یا فردی که بر قوه مجریه ریاست می کند و قادر به محاسبه این تناسب ساده نیست؟

یک کاربکتور خسته کننده در یک نمایش کمدی - درام حوصله و تحمل مردم را به سر برده است، آن گونه که دیگر برای تفتن هم توجه جلب نمی کند.

۷ اسفند ۱۳۸۵

بعد از نفت، برق و گاز هم بر سفره ها قرار گرفت!

منصور امان

در همان روزی که فاش گردید آقای احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر مسند ریاست جمهوری، ۲۰۰ میلیون دلار به کسانی که از آنها زیر تپتیر "خانواده های نیازمند تاجیکستان" نام برده شد، هدیه داده است، مجلس مآلها بهای آب، برق و گاز خانوارهای ایرانی را از ۱۰ تا ۱۵ درصد افزایش داد. نمایندگان حکومت در مجلس اسلامی برای گذاشتن گلاهِ شرعی بر افزایش بی پیشینه انرژی مصرفی شهروندان، وانمود می کنند نرخ مواد سوختی را با شاخص "الگوی مصرف" محاسبه کرده اند. این در حالی است که هیچ تعریف یا برآورد مشخص یا حتی غیر کارشناسی شده ای از این امر که بتواند مبنای یک قرار قانونی به شمار رود، وجود خارجی ندارد. از این رو به نظر می رسد دنگتگ "الگوی مصرف" نه فقط با هدف توجیه افزایش قیمت سوخت و انرژی بلکه و فراتر از آن، هموار کردن راه دولت برای چاپیدن مصرف کنندگان بنا به سلیقه ی خود تراشیده شده باشد.

ناگفته پیداست که افزایش بهای سوخت بیش از همه اقشار کم درآمدی که بنا به امار رسمی نزدیک به ۲۵ میلیون تن از آنها زیر خط فقر زندگی می کنند را هدف گرفته است. نرخ گذاری مجلس و دولت نه تنها به گونه مستقیم بر شانه های آنها سنگینی خواهد کرد بلکه، در انتها ناچار خواهند بود از طریق تحمل گرانی کالاهای اساسی در بازار، بار هزینه های افزایش یافته تاجران و دلان را نیز به دوش بکشند.

آقای "نفت بر سفره" با یک سخاوتمندی مثال زدنی، از کیسه بادآورده منابع طبیعی مردم، در تاجیکستان دلار تخص می کند و هم ریشان او در مجلس برای اثبات هر چه مستدل تر بیگانگی خود با مردم، نیازها و مطالباتشان، آخرین سکه های مسی را نیز از جیب ژنده پوشهای ایرانی بیرون می کشند. ۱۶ اسفند ۱۳۸۵

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سرمدبیر : زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلیا جدیدی

منصور امان

جعفر پویه

چاپ : انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرد
بهای اشتراک سالانه

فرانسه	۲۰ یورو
اروپا معادل	۲۴ یورو
آمریکا و کانادا	۳۶ یورو
استرالیا	۴۰ یورو
تک شماره	۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق ومسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس نبرد در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E:mail:nabard@iran-nabard.com

جنگ خبر

اخبار روزانه را در جنگ خبر بخوانید

www.jonge-khabar.com

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۹

برای اینکه بتوانیم درک بهتری از وسعت و غیر عادی بودن این مقدار از ثروت داشته باشیم، به چند نمونه مقایسه ای نظر می افکنیم:

۳/۵ تریلیون، بیش از در آمد سالانه همه کشور های جهان به استثنای آمریکا، چین، ژاپن و هند است. جمع کل درآمد سالانه کشور های آمریکای جنوبی از جمله آرژانتین، برزیل، پاراگوئه، اورگوئه و ونزوئلا که بزرگترین بلوک تجاری را تشکیل می دهند، ۱/۸ تریلیون می باشد. بودجه پیشنهادی آمریکا برای سال ۸ - ۲۰۰۷، ۲/۸ تریلیون دلار است. بودجه بازنشستگی، خدمات درمانی کهنسالان و آموزش و پرورش جمعیت ۳۰۰ میلیونی آمریکا، یک سوم ثروت این هزار نفر می باشد. تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا سالانه نیم تریلیون صرف آموزش و پرورش می کنند. دولت چین در سال ۲۰۰۵، به بودجه مربوط به علوم، تکنولوژی، آموزش و پرورش، درمان و بهداشت و امور فرهنگی تنها ۱۵ میلیارد دلار برای جمعیت یک میلیاردی اضافه کرد.

مجله فوربز می نویسد، در سال ۲۰۰۶، ثروتمندان در بازار جهانی بیشتر در سرمایه گذاریهای ملکی فعال بوده اند. مدیر مجله فوربز، استیو فوربز که در گذشته کاندید رییس جمهور، حزب جمهوری خواه در آمریکا بود، در این باره می نویسد: "این در تاریخ بشریت بی سابقه بوده است. هرگز در تاریخ چنین پیشرفت چشمگیری وجود نداشته است."

البته استفاده از عبارت "پیشرفت" که ایشان مشتاقانه به زبان می آورد، درست است اما فقط برای ثروتمندان! زیرا همزمان نزدیک به یک میلیارد انسان شبها گرسنه به خواب می روند. چنین ثروتی در اختیار - به طور دقیق - ۹۴۶ نفر، نشان از "پیشرفت" بی عدالتی و نابرابری در سطح جهانی دارد.

آقای بیل گیت هنوز در این صف جایگاه نخست را حفظ کرده است. وارن باف، سرمایه دار معروف، نفر دوم و نفر سوم، کارلوس اسلیم هلو (تله کام مکزیک) می باشد. جالب توجه است که "هلو" این ثروت هنگفت را در فقیر ترین کشور نیم کره غربی تصاحب کرده است. ایگوار کمپراد سوندی که "آی کی ا" را تاسیس کرد، به همراه خانواده اش در ردیف چهارم قرار دارد.

لاکشمی میتال، هندی، دارای بزرگترین کمپانی فولاد، نفر پنجم و شلدون ادلسون، آمریکایی، تاجر در امر خرید و فروش املاک، نفر ششم این لیست می باشند. برنالد آرنالت، فرانسوی، صاحب کبرستن دیور و ۵۰ نوع معروف لوازم آرایشی و مد در ردیف بعدی جا گرفته است و غیره.

مطالعه لیست مجله فوربز و شرح زندگی و سابقه افراد این لیست که از کجا آغاز و چه مرحله ای را برای انباشت ثروت طی کرده اند، به ما این را باز تاکید می کند که همگی آنها در برخی از خصوصیتها و روشهای زندگی نقاط مشترکی دارند، از جمله چاپلوسی، فساد و تبه کاری!

هشت مارس و مبارزه

سازش ناپذیر زنان

بقیه از صفحه ۱۰

هایش در خارج از مرزها از حافظه ها بیرون نرفته است، میتوان از در مصالحه و آشتی وارد شد و همزمان کمترین حق دموکراتیکی را درخواست کرد؟! تجربه چندین سال مبارزه مسالمت آمیز زنان و یا حداقل دو سال گذشته به این مساله مهر تایید می زند که تاکتیک مبارزه را کسی تعیین نمی کند بلکه این شرایط است که آن را به مبارزان تحمیل می کند. این تجربه همچنان نشان داده که پاسخ رژیم در مقابل مبارزات مردم در اشکال مسالمت آمیز فقط «سرکوب» است.

در شرایط کنونی در مقابل مبارزه زنان و در کل مبارزه مردم ایران از هر سو تفکری قد راست کرده و ره پویی مسیر را از منظر منافع طبقاتی خود در تاکتیک ارایه می دهد.

سالهاست که از سوی عناصری که کم و بیش در قدرت سیاسی شریک بوده اند طرح رفرم یا رفراندوم ساختار سیاسی کنونی با کمک دولت های غربی ارایه داده شده است. این گونه تعویض قدرت از بالا که منافع سرمایه داری غربی را تامین می کند، دقیقاً در راستای پروسه جهانی سازی سرمایه مطرح می شود. این تفکر پشتوانه نظریه رام کردن رژیم، پذیرفتن سهم او در پروسه جهانی سازی سرمایه و در خاتمه تحکیم و تثبیت رژیم است. از آنجا که این تفکر چشم به بالاییها دارد و تضاد تعیین کننده را تضاد بین رژیم و دولتهای غربی می بیند بدون تردید در تغییر قدرت سیاسی نقشی برای مردم و زنان که نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می دهند، قابل نبوده و متعاقباً منافع آنان را نیز تامین نمی کند.

تفکر دیگری که هنوز در خیال تاج و تخت است به هیچ وجه «نه» بزرگ تاریخی مردم را قبول ندارد و هنوز چشم امید به گذشته دارد. برخی دیگر در صورت وقوع یک جنگ، پا را فراتر می گذارند و از همین امروز اعلام کرده اند که در کنار رژیم از تمامیت ارضی کشور دفاع خواهند کرد. البته این مساله عجیب نیست زیرا بنیادگرایی و ناسیونالیسم مبنای فکری مشترکی داشته و اکثر اوقات از پرتیک سیاسی یکدیگر تغذیه می کنند.

تفکراتی از این دست نمی خواهند و یا به نفعشان نیست که بپذیرند: جنبشهای زنان، کارگران، زحمتکشان و دانشجویان موتور محرک اساسی هر گونه تحول بنیادین در کشورند و این تحول را نمی توان با موعظه، نصیحت، ترغیب و یا سرکوب مداوم متوقف کرد. زیرا زمانی که انسانهایی محروم برای مطالبه حق خود به پا خاستند دیگر چیزی جلودار آنها نیست. شاید در هیچ جای تاریخ سرزمین ما از حماسه هایی که زنان مبارز و آگاه ایرانی آفریده اند به میزان کافی گفته و نوشته نشده باشد، اما هستند زنده اندیشانی که این حماسه آفرینان را از نزدیک به تماشا نشسته اند.

بی شک همانطور که در پدیده های کهنه، جوانه پدیده های نو را می توان یافت، در جنبش زنان امروزی نیز این جوانه های نو وجود دارند. زنهاهی که هر لحظه در زندگی روزمره خصوصی، اجتماعی و سیاسی خود رژیم را به چالش می گیرند، بر اندوخته تجربیات و آگاهی خود می افزایند. همی اینانند که با استفاده از درایت طبقاتی خویش، مبارزات دیگر اقشار زحمتکش جامعه را به هم متصل خواهند کرد، با ابزارهای مبارزاتی نو به میدان خواهند آمد و در برابر سیاستها و یورش های ارتجاع سد ایجاد خواهند کرد.

NABARD - E - KHALGH

No : 261 21.Mars. 2007 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / Postfach 102001 / 50460 Koln / GERMANY

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

۸ مارس امسال روز جنبشها

زینت میرهاشمی

به همراه علیرضا هاشمی، دبیرکل سازمان معلمان ایران، محمد داوری و علی پورسلیمان از اعضای شورای مرکزی سازمان معلمان، در میان بیش از ۲۰ تن از معلمانی هستند که دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شدند. دستگیری معلمان از ساعات اولیه نیمه شب آغاز و تا بامداد روز پنج شنبه ادامه داشت. خانواده معلمان بازداشت شده گفته اند که مأموران از نشان دادن حکم قضایی به بازداشت شدگان خودداری کرده و در مواردی از تهدید و زور استفاده کرده اند.

در رویدادی دیگر ایرانیان آزادیخواه در روز ۸ مارس در بروکسل با یک گردمایی و راهپیمایی بزرگ که در آن بارها از جنبش زنان و معلمان حمایت شد، خواستار آن شدند که اتحادیه اروپا به حکم دادگاه عدالت اروپا احترام بگذارد.

خبرگزاری آسوشیتدپرس از بروکسل خبر داد که: «هزاران تن از ایرانیان روز پنج شنبه در نزدیکی محل اجلاس اتحادیه اروپا تظاهرات کردند. آنها خواستار تبعیت اتحادیه اروپا از حکم دادگاه مبنی بر خارج ساختن نام جنبش مقاومت ایران از لیست سازمانهای تروریستی شدند. این تظاهرات رنگین و پرشور و غوغا، در ۲۰۰ متری ساختمانی برگزار شد که در آن رهبران اتحادیه اروپا خود را برای یک کنفرانس آماده می کردند.» تظاهرکنندگان شعار می دادند «آزادی و دموکراسی برای ایران» و «اتحادیه اروپا باید حکم دادگاه را اجرا کند».

در مقابل این تظاهرات بزرگ نیز دیکتاتوری حاکم بر ایران که دستشان از سرکوب ایرانیان

همچنین در دیگر شهرهای کردستان همچون بانه، مریوان با وجود فشار بر فعالان حقوق زن گردهماییهایی با شکوه برگزار شد. در دانشگاه تهران صداهان از دانشجویان به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن تجمع بزرگی برپا کردند. دانشجویان با خواندن جمعی سرود یاردبستانی، برای اتحاد معلمان و دانشجویان شعار سردادند. تجمعهای پر شکوهی نیز در مقابل دانشگاه تهران و میدان محسنی تهران برپا شد که با محاصره و حمله مأموران انتظامی مواجه گردید.

همچنین معلمان زحمتکش ایران با برگزاری ششمین روز تحصن خود در مقابل مجلس ارتجاع خشم و نفرت خود را از حاکمان کشور نشان دادند. روزهای قبل نیز هزاران تن از معلمان ایران در شهرهای زنجان، کرمانشاه، رشت، اصفهان، اردبیل، مریوان، میانه، شیراز، شهر رضا، سبزوار و ... گردهماییهای اعتراضی برگزار کردند.

در گردهمایی گسترده در میدان بهارستان معلمان شعار می دادند « هیأت دولت ما، هیأت رنج و عذاب، هیأت دولت ما، هیأت مکر و ریا» و «احمدی نژاد، عدالت یا فریب کاری؟!». این گردمایی با حمله نیروی انتظامی به معلمان به خشونت کشیده شد. نیروهای سرکوبگر رژیم به منظور ممانعت از شرکت تعداد هر چه بیشتر معلمان در این تجمع، ایستگاههای متروی بهارستان و پیچ شمیران را بسته بودند که این موضوع نیز مورد اعتراض معلمان قرار گرفت.

کانون صنفی معلمان ایران اعلام کرد که چهارشنبه شب برخی از اعضای سرشناس این کانون، توسط وزارت اطلاعات بازداشت شدند. بنا به این گزارش، علی اکبر باغانی، دبیرکل کانون صنفی معلمان و محمود بهشتی لنگرودی، سخنگوی این کانون

روز پنجشنبه ۸ مارس امسال نه فقط به خاطر روز جهانی زن و تظاهرات و گردهماییهای گوناگونی که در سراسر ایران برگزار شد بلکه از جهات دیگر هم روز مهمی بود.

در این روز زنان ایران با شعار محوری «آزادی و برابری برای مرد و زن» در بسیاری از شهرهای ایران بیاختستند. بنا به گزارشهای گوناگون که در سایتهای خبری منتشر شده روز ۸ مارس روز خیزش معلمان، زنان و آزادیخواهان ایران بود.

زنان و مردان آزادیخواه تهران با شعار «همبستگی برای آزادی، برابری، عدالت جنسیتی» تجمعی در تهران برگزار کردند. اما پیش از آغاز تجمع در حالی که جمعیت شرکت کننده افزایش می یافت، نیروهای سرکوبگر یگان ویژه نیروی انتظامی جمعیت را متفرق کردند.

مأموران سرکوبگر انتظامی با باتون و گاز اشک آور به تجمع کنندگان حمله کرده و تظاهرکنندگان را مورد ضرب و شتم قرار دادند که بر اثر این حمله وحشیانه، شماری از زنان مجروح شدند.

نیروهای امنیتی تجمع مسالمت آمیز فعالان سیاسی اجتماعی زنان در شهر سقز را سرکوب کردند.

نیروهای سرکوبگر سردست مجوز برگزاری مراسم ۸ مارس که از سوی سازمان غیردولتی «تیروز» سردشت قرار بود برگزار شود را لغو کرد.

مراسم بزرگداشت روز جهانی زن در شهر سنندج که به دعوت جامعه حمایت از زنان، کانون دفاع از حقوق کودکان و انجمن فرهنگی اجتماعی شاهو برگزار شد، به شدت با سرکوب مواجه شد چندین تن از فعالان زنان در این شهر شامل وریا تدین، پرویز پوررضایی، سوران حسینی، ژینا مدرسی، پیمان نعمتی، احسان احمدی، فاطمه زمانی، ثریا محمدی، سیما علیخانی، صلاح زمانی بازداشت شدند.

شهدای فدایی

فروردین ماه

رفقا: جواد سلاخی - حبیب مؤمنی - خشایار سنجرى - منصور فرشیدی - محمد معصوم خانى - بیژن جزنى - حسن ضیاء ظریفی - عباس سورکی - مشعوف (سعید) کلانتری - محمد چوپانزاده - عزیز سردی - احمد جلیل افشار - حمید اکرامی - محمدرضا کامیابی - غزال (پریذخت) آیتی - سیمین پنجه شاهی - عباس هوشمند - علی میرابیون - یدالله سلسبیلی - ناصر توفیقیان - جلیل اراضی - بهرام آق اتابای - عطا خانجانی - محمدآراز (بهرروز) - آراز محمد وردی پور - غفور عمادی - عبدالله صوفی زاده - بردی محمدکوسه غراوی - قربانعلی پورنوروز - سعید جوان مولایی - علی محمد خوجه - فیروز شکرى - انه بردی سرافراز - قربان (آرقا) شفیعى - فیروز صدیقی - نور محمد شفیعى - محمد رسول عزیزبان - پروین افروزه - محمد حرمتی پور - منوچهر کلانتری - صدیق دیده ور و ... در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

در بلژیک کوتاه است، واکنش خشم آلود نشان دادند.

به گزارش روز جمعه ۱۸ اسفند (۹ مارس) ایسنا ابراهیم رحیم بیر مدیر کل غرب اروپا در وزارت امور خارجه رژیم عصر روز پنجشنبه مونزو ویتس سفیر آلمان در تهران به عنوان ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا و پل دوووس کاردار بلژیک در تهران را «به طور جداگانه به وزارت امور خارجه احضار و مراتب اعتراض جمهوری اسلامی به خاطر اجازه به گردهمایی» در بروکسل را به آنها ابلاغ کرد. استادان مذهبی حاکم بر ایران که تحمل حرکت‌های مسالمت آمیز مردم ایران را ندارد، در فاصله چند هزار کیلومتری از ایران نیز خواستار محدود کردن آزادی بیان و حق گردهمایی مسالمت آمیز است.

اما پایوران جمهوری اسلامی باید بدانند که نه سرکوب در داخل و نه توطئه گری و تروریسم در خارج نمی تواند در اراده مردم ایران برای کسب آزادی و برابری خللی ایجاد کند. به امید روزی که جنبشهای ایران با اتحاد و همبستگی بتوانند با سرنوگون کردن رژیم ولایت فقیه به دموکراسی، آزادی، صلح و عدالت دست یابند. ۱۹ اسفند ۸۵

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم